محمد حسینؒ و برادرش سید محمد را و دو پسر محمد عظیم و عبد الله سلمهم ربهم حضرت میان عبد الاحدؒ فرزند
چهارم حضرت محمد ایوب در جوانی رحلت کردند یک فرزند گذاشتند محمد نعیم نامی
که لاعقب رحلت کردند حضرت میان عبد الرحیمؒ فرزند پنجم حضرت محمد ایوب
ایشان بانواع کمالات آراسته بودند در قریه میر اخوران از غنداب که نهر قندهار است
قلعه نیک و باغهای دلکشا و جاهداری با رونق بهم رسانیده بودند صاحب وجد و
افتخار بودند صهر مؤلف این کتاب بودند بعمر چهل سالگی تقریباً در عین جوانی در
۱۲۹۹ سنه ۱۲۹۹ رحلت فرمودند دو فرزند خلف گذاشتند میان عبد الاحد میان عبد الحلیم
میان عبد الاحد مخفف باهمت و وجاهت بود در سفر حجاز بین الحرمین الشریفین در
سنه ۱۳۲۴ انتقال نمود دو فرزند خلف گذاشتند میان محمد عمر میان محمد فائق میان
محمد عمر را یک فرزند است میان حسام الدین. میان محمد فائق را نیز یک فرزند
مسمی علی محمد سلمهم ربهم حضرت میان حاجی میان عبد الحلیم فرزند دوم حضرت عبد الرحیم
بعمر ده سالگی وقت تحریر با محمد الٰهی بکمال رفاهیت در قید حیات اند چهار فرزند دارند
میان محمد حسین محمد معصوم غلام نقشبند غلام قادر سلمهم ربهم حضرت میان غلام حسین
فرزند ششم حضرت میان محمد ایوب بودند از احوال اولادش آگهی نشد حضرت
میان عبد الکریمؒ فرزند هفتم حضرت محمد ایوب اند الیوم معمرترین حضرات مجددیه و قندهار
غالباً وجود شریف ایشان است بعمر هشتاد ساله تقریباً در قریه شیخ چالاکی از غنداب
قندهار بر مسند بزرگان قائم اند از علوم متداوله و نسبت طریقه حظی وافر دارند سلمه ربه
ایشان را دو فرزند میان غلام احمد نام فرزند ثانی که صغیر سن اند مشغول علوم اند میان غلام
از چند سال در هند بطریق آزادگی میگذرانند در قندهار یک پسر دارد و عبد السبحان سلمه ربه

حضرت غلام النبی فرزند دوم حضرت غلام حسن قدس سرہما بودند حضرت ایشان بعد از
تحصیل علوم ظاہری کسب کمالات باطنی از خدمت والد خود نموده و از خود مجاز گردیده.
صاحب عمده که فرزند ایشان است میرزا بیگ نامه ارشاد به خط خاص شریف بنام حضرت
ایشان نزد فقیر موجود است احوال و خوارق عادات حضرت ایشان از بعضے مکاتیب
عمده نوشته اند. مؤلف گوید حکایتے از کرامات ایشان مسموع از بزرگان خود
دارم و آن اینکه در سنه ۱۲۲۲ که حضرت قیوم جہان قدس سرہ بسفر حجاز رفتند و ہر دو
پسران حضرت غلام النبی قدس سرہ بسبب آنکه مرید ایشان بودند ہمرکاب داشتند در
سفر دریا وقتے در نیم شب از غلبہ طوفان کشتی ایشان در معرض ہلاک آمد حضرت
قیوم جہان ہر دو صاحبزادگان یعنے حضرت محمد فضل اللہ و حضرت ضیاء الحق را فرمودند
توجہ بوالد خود کنید و استخلاص از طوفان جوئید ہم در آن شب حضرت ایشان در قندہار
بودند با جامہ ہائے تر در خانہ خود در آمدند و فرمودند کہ مرا امر فرمودند کہ از غلام نبی مدد
جوئید حاضر شدم بفضل الٰہی کشتی از ہلاک نجات یافت جامہ ہائے خود را بشوئید
و آب شور از آن میریخت واللہ اعلم عند اللہ تعالیٰ. در سنه ۱۲۲۳ یکہزار و دو صد و بست و سه
در ماه جمادی الاول بعمر پنجاه و شش سال در قندہار رحلت فرمودند و شمالی شہر بقدر
نیم میل در مقبرہ علیحدہ مدفون گردیدند ایشان را پنج پسر خلف شد حضرت محمد فضل اللہ
شاہ و ضیاء الحق حضرت شمس الدین میان ولی محمد میان محمد افضل حضرت حاجی محمد فضل احمد
فرزند نخستین حضرت غلام نبی اند مخفی نماند که جملہ فرزندان حضرت غلام نبی قدس سرہ
ازین دو برادر حقیقی یعنے حضرت محمد فضل اللہ و حضرت محمد ضیاء الحق امتیاز کلی داشتند سبب
امتیاز حقیقتہ مضمون کریمہ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ است و بظاہر فرزندیت

حضرت بی بی صاحبه کلان قدس سرها که بنت اخت حضرت قیوم جهان قدس سره
دو دختر حضرت سید عطاء الله بخاری است پیدا شده حضرت بی بی صاحبه خلیفه اعظم
و جانشین کرم حضرت قیوم جهان بوده‌اند و بشارات عالیات از زبان حق ترجمان
حضرت قیوم جهان در حق حضرت بی بی صاحبه وارد شده و دست در عمده مذکور است
در سفر آخر حرمین حجاز نیز حضرت بی بی صاحبه مع هر دو فرزندان خود همرکاب قیوم جهان
و سرپاه قافله بوده‌اند چنانچه جد امجد در عمدة المقامات احوال کشف و کرامات و نقل
اجازت نامهٔ ارشاد که حضرت قیوم جهان بی بی صاحبه را داده‌اند و احوال سفر حرمین
الشریفین و رجوع بزیارت انوار حضرت صحابه کرام رضی الله عنهم با حضرت سید الابرار صلی الله
علیه وسلم و انتقال حضرت بی بی صاحبه در مرو شریف واقع ملک بلخ بتفصیل نوشته
است الحاصل بعد رحلت حضرت بی بی صاحبه هر دو برادر رجوع بوطن افغانستان
کردند حضرت شاه ضیاء الحق قدس سره در عمده کابل سکونت اختیار نمودند و حضرت
ایشان صاحب ترجمه در قندهار مسند نشین حضرت والد ماجد خود گردیدند تولد حضرت
ایشان در قندهار سنه [illegible] واقع شده بعد حصول علوم ظاهری برای اخذ نسبت باطن
والد خود رجوع بحضرت قیوم جهان کردند تا حیات ایشان سفراً و حضراً در حضور مرشد
خود ماندند و از حضرت ایشان اجازت نامهٔ ارشاد که عطا شده است نقل آن در عمده
مسطور است. کتاب عمدة المقامات تصنیف حضرت ایشان است در سفرهای حرمین
الشریفین گذرش بر بلاد سند و بلوچستان می افتاد و خلق الله کثیر از انفاس مبارک
ایشان فیضیاب شده‌اند که تا الیوم اعتقاد خلفاء ایشان در این بلاد بیرون از احصا است
حضرت ایشان در علوم ظاهر فرید مروج عصر بوده‌اند گاهی که توجه بجانبی میفرمودند در نهایت عقده

ار میسر شوند تمنا چند بیتے ازان ایراد مے رود۔

کردم اگر ز جان تن خود را فدائے دل	افشاندہ عالم نثار محقر بپائے دل
شد پست پایہ تخت اقالیم ہفت زن	گر یافتی گدائی دولت سرائے دل
عالم شنید نعرۂ لبیک عبد لیثں	نشنیدہ تو نعرۂ یارب بنائے دل
بینی نہان عیان نکوئی عیان نہان	واقف اگر شوی ز نتہ بپوئے دل
آخر چرا بشیشۂ گردون نمے رسد	سنگ ستارہ زہن کوہ صدائے دل
تیر سیت محنتی بسوائے دل نشخون	واقف شدہ ست اہل دلی یا خدائے دل

مرآت دل ز زنگ حوادث مکدر است
فضل از مدام ذکر خدا کن جلائے دل

آخر بعمر پنجاہ و چہار سالگی تقریبا در سنہ ۱۲۳۸ یکہزار و دو صد و سی و ہشت ہم در قندہار رحلت فرمودند و در جنب والد مکرم خود آسودند رحمۃ اللہ تعالی رحمۃ واسعۃ حضرت ایشان را سوائے بنات پنج فرزند بودند حضرت شاہ حاجی عبد القیوم میان عبد اللہ میان عبد القادر میان عبد اللطیف میان غلام احمد۔ میان عبد اللہ در جوانی لاولد رحلت نمودند میان عبد اللطیف و میان عبد القادر ہم در عہد صغر سن رحلت نمودند حضرت حاجی شاہ عبد القیوم فرزند نخستین و مسند نشین حضرات آبا و اجداد کرام بودند بشارت تولد ایشان و تعیین نامش بطریق الہام از بی بی صاحبہ کلان قدس سرہا بوالدۂ شریفش ہم رسیدہ بودند در سنہ ۱۲۲۰ ہزار و دو صد و بست حضرت ایشان در قندہار تولد شدہ اند تحصیل علوم ظاہری از اجلۂ علماء وقت ہم در قندہار نمودند و تربیت باطن و سلوک طریقت از حضرت والد ماجد خود یافتہ اند قبل از انتقال

و نوعش را تتبع شیوهٔ مرضیهٔ ایشان بود بر طبعش صفت جلالیت غالب سوانح عمری
و ملفوظات مبارکش و کراماتش آخوند سید علی سندهی بالاے در کتابے علیحدہ مسمّی
بمقدسات قیومی بتفصیل و اتباع نوشته است احوال شریفش ازان کتاب باید
جست که این کتاب گنجایش آن ندارد آخر در سنه ۱۲۷۱ هزار و دو صد و هفتاد و یک در
شهر قندهار رحلت فرموده بودند هم دران سال وبائے عظیمی در شهر قندهار افتاده بود که
چندین صد کس روزانه شکار آن بلیه بود منقول است که روزے حضرت ایشان فرمودند
که این بلا را لقمه چرب باید ما سر خود را بخدا سپردیم همان روز یار دو دیگر
ایشان بمرض وبا بیمار شدند روز دیگر انتقال فرمودند و اندران سال بعد رحلت حضرت
ایشان دیگر کسے را گزندے ازان بیماری نرسید منقول است که روز وفات حضرت
ایشان نظر بکتاب هائے خود کرده فرمودند که مولویان باقی مانند و ما رفتیم حضرت ایشان
از صحبت اغنیا و سلاطین متنفر بودند هرگاه مے شنیدند که کسے از امرا بخدمتش مے آید
بیرون شهر بمقبرهٔ والد و جد بزرگوار خود تشریف مے بردند خادمان را میفرمودند
اگر کسے آید بگوئید فلانے بیرون رفته است روزے حاکم وقت بے اطلاع بر دروازه
رسیدند نوکرش سبقت کرده بخدمت عرض کرد که سردار صاحب اینک رسیدند حضرت
ایشان فرمودند بابا چکنم که رسیدند هم چنانچه بر مصلی نشسته بودند نشسته ماندند حاکم
وقت آمده با ادب تمام دور تر بر بوریائے مسجد نشستند ساعتے چند در سکوت بودند
آخر او رخصت پذیر گشت آخر در سنه مذکوره انتقال فرمودند و در جنب والد خود
جا گرفتند رحمه الله تعالے حضرت ایشان سواے بنات هشت فرزند داشتند
حضرت حاجی عبدالرحمان حضرت غلام عبیدالله محمد یحیی غلام محمد عبدالستار عبدالفتاح

عبدالحق محمد امین - محمد یحییٰ و غلام محمد و عبدالستار و عبدالفتاح و محمد امین این ہر پنج
صاحبزادہ در صغر سن رحلت نمودند میان عبدالحق در عین ایام شباب بغرقابی آب
رود ارغنداب شہید شدند بعد ورود شد ۱۲۱۲ لاولد رحلت کردند فرزند نخستین حضرت
ایشان قدوۃ العارفین قبلتی و والدی و مرشدی حضرت شیخ عبدالرحمان المجددی
القیومی قدسنا اللہ تعالیٰ بسرہ الاقدس بودند تولد حضرت ایشان در سنہ ۱۲۴۴ ہزار و دو صد و
چہل و چہار در شہر قندہار واقع شدہ تربیت اول ایام طفلی از والد ماجد خود یافتہ اند
چون بسن شعور رسیدہ اند تحصیل علوم از علماء وقت چون مولوی حبیب اللہ صاحب
مصنف مختتم در اصول فقہ وغیرہ مشغول شدہ اند در سن ہفدہ سالگی از تحصیل علوم
ظاہری فراغت یافتہ از والد ماجد خود تحصیل نسبت قیومی پرداختہ اند و در سنہ ۱۲۶۱
بخدمت والد مکرم خود و تمامی عیال و اطفال بسفر حرمین الشریفین رفتہ اند بعد یک
سال سکونت آن دیار شریف رجوع از راہ سندھ بقندہار نمودہ اند و بعد رحلت
والد ماجد خویش در سنہ ۱۲۷۰ بر مسند ارشاد نشستند و بسا خلق اللہ از برکات انفاس
مبارکش بساحل نجات بل بساحت معرفت رسیدند سوانح عمری حضرت ایشان با بیان
ملفوظات مبارکات و کرامات و تحریرات علمی و وظائف یومی و لیلی جملہ کتبی علامش
مؤلف این کتاب در کتابے علیحدہ مسمی بہ انیس المریدین بتفصیل در مقدار دو صد صفحہ
نوشتہ طبع کنانیدہ است ہر کہ ارادہ تفصیل احوال حضرت ایشان کند آن کتاب
مطالعہ فرمایند کہ در آن سوائے امور مذکورہ فوائد جلیلہ ثبت است سفر حرمین الشریفین
ہفت مرتبہ کردہ بودہ در سنہ ۱۲۹۶ بعد انصرام غزوات افغانستان با عیال و اطفال ہجرت
کردہ تقریباً پنج سال در مکہ معظمہ و برخے در مدینہ منورہ و قلیلے در طائف گذرانیدند

بعد ازان بامر حضرت سرور کائنات فخر موجودات علیه و علی آله الصلوة و الطیبات المبارکات
ازانجا رجوع فرموده در بلاد سنده و بجهة استدعاے مخلصین رخت اقامت انداختند
و عالم عالم اهل سنده از بحر فیوضاتش سیراب و فیضیاب گردیده‌اند چون سرتفتیش مجموعه
اخلاق محمدی بود چیزهائیکه از سلف صالح در کتب دیده مے شود در وجود مبارکش بر
رای العین دیده مے شد در آخر عمر شریف ز خلق رو گردان شده اکثر توغل در
عبادت کردند که از دیدنش حیرت مے افزود و آخر بحکم کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
در ۱۳۱۵ هزار و سه صد و پانزده تاریخ دوم ذی قعده روز جمعه وقت اشراق بعمر
هفتاد و یک سال انتقال فرمودند اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْن در ده مانه کوه گنج جنوبی
شهر حیدرآباد بمسافت هفت کروه مدفون گشتند مسجد و احاطه بزرگ سنگی و خانقاه
خلفائش بنا کرده‌اند قصه وفات و علامات بشارات که در آن روز ظاهر شده و مراثی
و تواریخ ارتحال جلد دوم میں آل دریں تفصیل مسطور است ازانجمله چند بیتے که اخوند
لطف علی املا کرده مد تحریر مے آید ۔

هزار آه ازین رنج و درد و ملال	که شد ناگهان ز انتقال افضل
شه عبد رحمان مولاے ما	بمعنی و صورت عدیم المثال
ز نسل محمد شه ملک دین	شد از فضل قیوم صاحب کمال
زہے جامع علم و رشد و ہدے	زہے قامع جهل و کفر و ضلال
زہے غوث دوران و قیوم دین	سر حلقه اقطاب تاج الرجال
طریقت چنان یافت زو تازگی	چو از خواجه احرار و میر کلال
ز فیضش حیات جهان بهره مند	چه مشرق و چه مغرب و جنوب و شمال

دریغا کزین دور ناپاینده دهر	شده چون بدار البقا ارتحال
دریغا که بگذشت قیوم دهر	قوام جهان گشت از اختلال
چه سازم بیان از غم رحلتش	زبانم درین گفتگو هست لال
بپا حشر پیداست در هر قدش	رسید رحمت از حضرت ذوالجلال
پے سال تاریخ و ترحیل او	شنودم چو این در دل خود خیال

ز هاتف شنیدم که با صدق گفت
ز دار ستے بدارے شد انتقال

۱۹۴
۱۱۲۱
۱۳۱۵

حضرت ایشان را پنج پسر بودند غلام فضل احمد عطائے قیوم بمرده در صغر سن وفات یافتند محمد حسن محمد حسین عبدالله که او نیز در صغر سن رحلت کردند مؤلف کتاب گرفتار هوا و هوس ضائع کننده عمر عزیز جیفت محمد حسن سلمه الله شرم هست که نام خود در زمره اولاد بزرگان رسیده اما چونکه سلسله در نوبت بنامش رسید ناچار بندے از حال اصلی خود چینید تولد فقیر ۹ ماه شوال ۱۲۶۷ هزار و دو صد و هفتاد و هشت در شهر قندهار بوقوع آمده و در ظل عاطفت حضرت قبله و کعبه خود تربیت یافته مروّج کتب متداوله بعضے از حضرت ایشان و بعضے از فضلاے وقت حسب قسمت خود بوقوع آمده از سن شعور تا که عمر جدد سی و هفت سال رسید در خدمت حضرت والد شریف خود در سفر و حضر هم رکاب مانده حضرت

[illegible]

ایشان خدمت عیال و فقرا و ضرب دست ناز و آخر چو شیر نفیس بر این ناقابل منت نهاده بودند به ارشادات عالیات مراتب سلوک چه عنایتها که بحال کمترین غلامان مبذول فرمودند اما چه حاصل حسرتم بکم قسمتی خود است که باوجود چنین التفات‌های گرانمایه اینچنین ناقابل بے حاصل ماند. آری

تهیدستان قسمت را چه سود از رهبر کامل
که خضر از آب حیوان تشنه می آرد سکندر را

این هم درگذشت که تذکرة الوحشة و حشة هم نویسد که وقت تحریر این کتاب که عمر بے حاصلم به شصت و دو رسیده و سنه هجری هزار و سه صد و چهل است این دور از کار را سه فرزند موجود اند عبداللہ عبدالستار محمد هاشم ابقاهم اللہ تعالی [illegible] تولد عبداللہ در سنه ۱۳۰۸ هزار و سه صد و هشت واقع شده و در سن هژده سالگی از علوم مروجه معقول و منقول فارغ التحصیل شده و اکنون مستعد و نیک در عربیت بهم رسانیده وفقه اللہ لما یحب و یرضی. این فرزند عزیز را یک پسر است به عمر پنج سالگی مسمی غلام علی [illegible]. فرزند دوم عبدالستار تولدش هزار و سه صد و یازده از علوم متداوله بقدر قسمت خود بهره مند شده اند. این فرزند را وقت تحریر دو پسر است غلام فاروق به عمر هفت سالگی غلام عثمان به عمر شش سالگی سلمهم ربهم. محمد هاشم تولدش هزار و سه صد و بست و سه به عمر دوازده سالگی از حفظ کلام مجید و مبادی علوم فارغ شده و در حین اتفاق سنه [illegible] هاشم سرآمده و درین وقت در مدارس اسلامیه بطلب علم مشغول وفقه ربه. فرزند دوم حضرت قبله قدس سره برادر حقیقی فقیر حضرت محمد حسین میا شدند تولدش در سنه ۱۲۸۸ هزار و دو صد و هشتاد و [illegible]

دست تحصیل علوم مروجه بعضے از حضرت والد بعضے از فضلاے وقت باتمام رسانیده اند
بکمال فضائل موصوف اند طبع شعری در نهایت عذوبت دارند عمر عزیزش وقت
تحریر به پنجاه و دو رسیده سلمه ربه ایشان را در این وقت دو فرزند میان محمد اسماعیل
زین العابدین میان محمد اسماعیل بانواع فضائل محلی از علوم متداول استعداد خوب
حاصل نموده اند ایشان را دو فرزند که نواسه‌ے مؤلف کتاب اند میان محمد اسحاق
بعمر هفت سالگی محمد ابراهیم بعمر چهار ساله سلمهما ربهما زین العابدین صغیر السن اند
سلمه ربه فرزند دوم حضرت جد شریف حضرت غلام حبیب الله بودند مشهور بحضرت
غلام جان تولد ایشان در [illegible] از برادر کلان خود که قبله و کعبه مؤلف اند در سال
خورد تر اند از علوم منقول و ظرائف ماوراء و بهره نیک داشتند در سلوک باطن
کامل و مکمل بودند سه بار بشرف باریابی حرمین الشریفین مشرف شده اند دفعه سوم
تاریخ نهم ذی قعده سنه ۱۳۰۹ هـ در مکه معظمه رحلت نمودند و در شبیکه مدفون شدند
بر لوح مزارش این ابیات مؤلف حضرت محمد عمر صاحب مجددی والد حضرت ابوالخیر
دهلوی نوشته اند ؛

کرد حضرت غلام جان چو فات	نقشبندی مجددی آگاه
شب شنبه نهم ز ذی قعده	یافت جا در حریم بیت الله

بدعا گفت سال فوت عمر
برد الله قبره و ثراه

حضرت ایشان سه فرزند خلف گذاشتند میان غلام دستگیر میان محمد صالح
میان محمد مقیم میان غلام دستگیر تولدش ۱۲۷۳ سنین عمر عزیزش پنجاه و دو سال

در سنہ ۱۳۳۷ ہزار و سہ صد و سی و ہفت بست و پنجم ربیع الاول انتقال فرمودند۔
پنج فرزند خلف گذاشتند میاں محمد ابراہیم میاں عبدالحکیم میاں محمد معصوم میاں
غلام محی الدین میاں عزیز اسد این ہر دو صاحبزادہ اخیر الذکر نواسہ ہائے فقیر
و خورد سال اند سلمہما ربہما۔ میاں محمد ابراہیم و میاں عبدالحکیم و میاں محمد معصوم
ہر سہ برادر ہم عینی اند تا وقت تحریر اولاد ذکور ندارند و ہر سہ طالب علمان و نیک
اند سلمہم ربہم میاں محمد صالح فرزند ثانی عم فقیر عمرش وقت تحریر تقریباً پنجاہ و چہار
سال در شہر قندہار سکونت دارند ایشان را سہ فرزند۔ میاں محمد عارف میاں
محمد قاسم سوم صغیر السن از نامش آگہی نیست میاں محمد عارف عمر بست و دو سالگی
یک فرزند دارد مسمی عبدالغفار سلمہ ربہ میاں محمد قاسم را تا ہنوز اولاد نشدہ
میاں محمد نعیم فرزند سوم عم شریف تولدش سنہ ۱۳۰۱ جوانے صالح و عابد بود در عین
جوانی سنہ ۱۳۳۱ ہزار و سہ صد و سی و یک در شہر قندہار رحلت نمودند سنین
عمر عزیزش تقریباً چہل سال دو فرزند خلف گذاشتند میاں محمد نسیم میاں محمد نعیم
میاں محمد نسیم عمر چہاردہ سالگی طالب علم با استعداد و نیک است میاں محمد نعیم
کہ عمرش نہ سالگی اند تخلیقاً ابکم آفریدہ شدہ است فہم و فراست زیادہ از حد دارد این
ہر دو صاحبزادہ نیز نواسہ ہائے مؤلف اند سلمہم ربہم۔ حضرت میاں غلام احمد
فرزند پنجم حضرت محمد فضل اللہ قدس سرہ اند ایشان معروف بہ حضرت باباصاحب
در قصبہ لہوگرد علاقہ غزنین ضلع کابل سکونت داشتند در سنہ ۱۳۱۲ بقندہار با جماعہ
خلفاء و مریدین تشریف آوردہ بودند مصغر بودند مؤلف کتاب بشرف قدمبوسی ایشان
رسیدہ بود و ریاضات شان فیض مستفید شد شمائل شریفش پر ہیبت و وقار و استقامت

وصدابت دین وناصیهٔ مبارکش ظاهر بود ساده در قندهار تشریف بجای حضرت قبله ما
داشتند عادت شریفش اکثر انقطاع وعدم قبول فتوحات خلق وکمال توکل بر ذات
جلّ‌شانه بود در سنه ۱۲۵۰ هزار و دو صد و پنجاه در بیهوگره مذکور رحلت فرمود چهار فرزند خلف
گذاشتند میان فدائے محمد میان غلام محمد عرف حضرت محمد جان میان عباد الله
میان امان الله حضرت میان فدائے محمد صاحب فضائل وکمالات بودند بعهد حیات
والد مکرم خود در سنه ۱۲۶۰ انتقال نمودند دو فرزند خلف گذاشتند حضرت عبد الغفور وحضرت وداشت.
فضل حلیم این هر دو حضرات همشیره‌زادهای حضرت قبله وکعبه مؤلف بودند تولد حضرت
عبد الغفور غرهٔ رجب سنه ۱۲۵۶ بکمال حسنات موصوف بودند بعمر سی وچهار سالگی سنه ۱۲۹۰
انتقال فرمودند سه فرزند خلف گذاشتند میان عبد الشکور میان عبد الرب میان عبد
ازین سه حضرت میان عبد الرب رحلت نمود و یک فرزند گذاشته مسمی عبد الرسول
صغیر السن اند سلمهم ربهم حضرت میان فضل حلیم در سنه ۱۲۵۹ تولد شدند صاحب فضیلت
ونسبت بودند در سنه ۱۳۲۲ بعمر شصت و دو سال رحلت نمودند سه فرزند خلف گذاشتند
میان فضل الرحمان میان عبد الحق میان فضل الله جان میان فضل الرحمان در سنه ۱۳۰۰
متولد شدند یک پسر دارد مسمی عبد الرؤف میان عبد الحق بعمر بست ساله و میان فضل الله
بعمر ده ساله هنوز متاهل نشده اند غرض ثانی حضرت میان غلام محمد میان غلام محمد عرف
محمد جان اند عمرش تقریباً شصت وچهار سال یک فرزند داشتند میان فضل جلیل
لاولد انتقال نمودند حضرت میان عباد الله فرزند سوم حضرت غلام احمد اند موفق بعبادات
بود بعمر پنجاه و سه سالگی انتقال نمودند لاعقب له حضرت میان امان الله فرزند چهارم حضرت
باباصاحب بعمر چهل و سه سالگی انتقال فرمودند سه فرزند داشتند غلام جیلانی عبد الرحیم و محمد کریم غلام محی

حیات است عمر دو سالگی بود اخیر در صغر سن رحلت نمودند این بود احوال اولاد حضرت
محمد فضل الله رحمهم الله سلامتهم و بارک فی اخلافهم حضرت شاه ضیاء الحق مشهور بحضرت
شهید قدس سره برادر عینی و فرزند دوم حضرت بی بی صاحب کلان و جد مادری حضرت
قبله و کعبه ما بودند اوصاف حمیده اش از علم و عمل و فیض و ارشاد و کرامات و خوارق عادات
مشهور عالم است درین مجال گنجایش بیان آن نیست مزید بران در آخر عمر شریفش
از دست بعض اشقیاء کوهستانی شربت شهادت چشیدند این کار دولت است
کنون تا کرا رسد حضرت ایشان کثیر الاولاد بودند اولاد ذکور شش بعد از انتقال شان
شش فرزند خلف شدند حضرت عبد الکریم عرف میان بادشاه حضرت عبد الرحیم عرف
حضرت آغا صاحب حضرت میان ضیاء محمد عرف حضرت میان جی صاحب حضرت
میان عبد الحکیم حضرت میان ضیاء المعصوم عرف میان تبرک صاحب حضرت فضل معصوم
عرف حضرت میان جان صاحب حضرت میان عبد الکریم عرف میان بادشاه صاحب
کمال و اکمال بودند عین جوانی بعد از مراجعت سفر حرمین الشریفین در سنه ۱۳۲۶
هزار و سه صد و شصت و دو در دریای شور بسبب شکست کشتی شربت شهادت چشیدند
حضرت ایشان دو فرزند رشید خلف شدند حضرت میان عبد العزیز حضرت میان [illegible]
عرف حضرت حاجی جان حضرت میان عبد العزیز بکمال فضائل موصوف بودند لطافت
طبع شریفش بحد کمال بود در جود و ایثار و تواضع و فراست حظ وافی داشتند اوقات
عزیز خود در شهر کراچی میگذرانیدند طبع شعری خوب داشتند مؤلف بارها بخدمتش رسیده
در حق فقیر الطاف مرعی میداشتند در سنه ۱۳۷۱ انتقال فرمودند ایشان دو
فرزند بودند میان عبد الحق و حضرت میان ضیاء احمد حضرت میان فضل حق میان عبد الله

در حیات قبله گاه خود در عنفوان شباب لا در لما انتقال فرمود حضرت میان ضیاء احمد
صاحب که درین جزو زمان وجود شریفش در خاندان مجددیه مغتنم است بکمال
معارف آراسته و بعلو همت و تواضع و صدق و خدمت بجا آوردن اضیاف و فقراء
بنفس نفیس خود پیراسته ایشان سه فرزند ارجمند است میان غلام الله میان حجة الله میان
عبداللطیف میان غلام الله جوان صاحب علم و معرفت است دو فرزند دارد غلام حسن
عبدالکریم هر دو صغیر السن سلمهما و سلمهم میان حجة الله فرزند دوم حضرت میان ضیاء احمد
صاحب نیز متخلق بصلاح و فلاح شده دو پسر دارد غلام مرتضی عبدالفتاح سلمهما میان
عبداللطیف فرزند سوم حضرت میان ضیاء احمد است عمر دوازده ساله مشغول طلب علم
است سلمه حضرت میان فضل حق فرزند سوم حضرت میان عبدالعزیز بودند عمر بست و
پنج ساله در عین جوانی بعارضه طاعون در صد و سی ۱۳۲۰ در شهر جام نگر کاتیاواڑ وفات
یافتند مرقدش همانجا مخلصان بتکلف ترتیب داده اند بعد یک فرزند داشتند
فضل آدمی نام که بطبع آزادی و قلندری در کراچی میگفتند شنیدند آخر بعراق عرب رفت
از چند سال مفقود است حضرت میان ابوالقاسم عرف حضرت حاجی جان فرزند ثانی حضرت
میان بادشاه بودند اوشان اول عمر در قندهار بعد از آن در ملک سندھ آمده در کراچی رخت
اقامت انداختند هم آنجا در صد و سی هزار و سه صد و چهار ده انتقال نمودند چهار فرزند
داشتند محمد صادق محمد سعید محمد فاروق محمد اکرم حضرت محمد صادق صاحب معرفت
بودند در کراچی رحلت نمودند یک فرزند خلف گذاشتند میان فضل قیوم که بعمر بست ساگی
بعارضه طاعون در کراچی رحلت نمودند لا عقب له حضرت محمد سعید در حیات والد بزرگوار
خود در عین جوانی در دشت هوی(?) … بتاریخ عمر گذشته در ۱۳۱۲ انتقال نمودند

یک فرزند خلف گذاشتند میان فضل الله که بعمر بیست و دو سالگی رحلت نمودند یک
فرزند صغیر السن گذاشتند غلام حمید سلمه ربه حضرت محمد فاروق فرزند سوم حضرت میان
ابوالقاسم است سکونت در کربچی دارند شخصے صاحب فضائل است عمرش وقت تحریر
کتاب تقریباً شصت و چهار سال سلمه ربه دو فرزند دارند میان معصوم جان بعمر
بیست سالگی میان حمزه بعمر ده ساله سلمهما ربهما میان محمد اکرم فرزند چهارم حضرت حاجی
جان در عین شباب هم در حیات والد خود انتقال نمودند لاعقب له حضرت عبدالرحیم
عرف حضرت "تا صاحب" فرزند دوم حضرت شهید بودند در وقت خود مرجع انام و یکتا و معتمر
خاندان بودند عیشش در ملک سنده دلگیر بود و اوائل عمر خویش در کابل بودند [illegible]
اواخر عمر سکونت قصبه شاری از ملک سنده اختیار فرمودند مؤلف کتاب را بخدمت
شرف حضورش رسیده بود آخر بتاریخ ۲۲ جمادی الاولی سنه ۱۳۱۳ هزار و سه صد سیزده در جم
شاری بعمر ... سال تقریباً رحلت فرمودند مزار پر انوارش هم آنجا اتفاق افتاد فرزندان
و مخلصان بر مرقد مبارکش قبه عالیه پر تکلف بنا کرده اند زیارتگاه و تبرک حضرت تا صاحب
هشت پسر خلف شدند حضرت میان عبدالحلیم عرف حاجی آغا حضرت میان فدائے محمد
میان محمد اعظم میان محمد علی میان احمد علی عرف منو جان میان شیر علی میان غلام علی
میان فتح علی دو حضرات ولی الله کرم همه عینی برادر و پنج دیگر همه عینی بودند حضرت
میان عبدالحلیم صاحب عرف حاجی آغا فرزند نخستین و سجاده نشین و مسند آرای حضرت
والد بزرگوار خود بودند در حسن خلق و کمال کرم یگانه وقت خویش بودند بتاریخ ۹ محرم سنه ۱۳۳۱
هزار و سه صد و سی و یک بعمر ... سال ... رحلت فرمودند و در قبه والد ماجد خود بجانب
شمال سمت قبله آسوده اند رحمه ربه ایشان را شش فرزند حضرت میان غلام محمد عرف

پسر زادہ میان غلام نبی جنت مقیم زادہ میان غلام حسین، میان محمد عمر میان شاہ محمد میان عبدالباقی
حضرت میان غلام مجدد فرزند نخستین و سجادہ نشین والد بزرگوار خود دست از تحصیل علوم
مروجہ فارغ شدہ اند در فقیت ہمت شان عالی دارند سلمہ ربہ والباقی و ایشان را یک
فرزند بنجبار میان غلام رسول سلمہ ربہ میان غلام نبی در عین شباب بعمر ہ سالگی
بعارضہ طاعون انتقال شدند ما عقب لہ میان غلام حسین سلمہ ربہ ایشان در سنہ
ہمراہ کابلی والد ماجد خود بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ اند میان محمد عمر از علوم متداولہ
فارغ التحصیل شدہ اند ایشان نیز بخدمت والد شریف خود در سفر حرمین الشریفین حاضر
بودند میان شاہ محمد عمرش تقریباً ۱۱ سال یک فرزند دارند مسمی بعلی میان عبدالباقی
فرزند اصغر حضرت حاجی آغا اند جملہ جوانان با استعداد و نسبت اند سلمہم ربہم حضرت
میان ضیاء مجدد فرزند دوم حضرت آغا صاحب مرحوم بودند اوائل عمر شریف در سلک
سند و بکمال ابہت بسر بردند در سنہ ۱۳۳۲ با متعلقات خود ہجرت کردہ در قندہار بجا
قریہ و بخوجہ سکونت پذیر شدند حاکم وقت با عزاز و اکرام با ایشان سلوک مینمود آخر
در سنہ پنجم ماہ مبارک رمضان ہم در قندہار انتقال فرمودند در جوار جد امجد خود حضرت میر
غلام نبی قدس سرہ است قندہار مدفون شدند رحمہ ربہ او ایشان را سہ فرزند خلف ماندند
حضرت میان غلام اسماعیل میان غلام رفیع الدین میان محمد یوسف حضرت میان محمد اسماعیل
مجموعہ مکارم و شخصے با استعداد و علمی است ایشان را یک پسر میان غلام ضیاء الحق مجدد
میان رفیع الدین فرزند دوم حضرت میان ضیاء مجدد در قندہار با متعلقات خود سکونت دارند
و ہمچنین فرزند ثالث ایشان محمد یوسف با برادر خود بعمر ۱۷ سال تقریباً میگذرانند سلمہما ربہما
حضرت میان محمد عظیم فرزند سوم حضرت آغا صاحب مرحوم عمرش تقریباً ۲۰ سال بیشتر

آزادگی و تجرد در نواح سنده بسر میبرند علیٰ هٰذا حضرت محمد علی فرزند چهارم حضرت آقا صاحب
بکمالات متصف اند در طب مزاولتے نیک دارند اوقات عزیز خود در ملک تاره و دافغ
سنده به زمینداری خود بسر میبرند ایشان از سه پسر میان محمد موسیٰ میان محمد ایوب
میان محمد یعقوب سلمہم ہم میان احمد علی عرف ستو جان فرزند پنجم حضرت آقا صاحب
بودند بعمر ده سالگی در شهر کراچی بعارضهٔ طاعون رحلت نمودند اولاد ذکور عقب نگذاشته
رحمۃ اللہ علیه میان شیر علی جان فرزند ششم حضرت آقا صاحب مرحوم اند بعمر بیست سالگی
تقریباً با برادر کلان خود بیگناه مانند سکوت نشسته کنند در زمینداری است میان غلام علی
فرزند هفتم حضرت آقا صاحب در عین جوانی در کراچی بمرض دق رحلت نمودند عقب نه
میان فتح علی جان فرزند هشتم حضرت آقا صاحب اند عمرش وقت تحریر تقریباً ۲۰ سال
حضرت ضیاء احمد معروف حضرت میاجی صاحب ایشان فرزند سوم حضرت شهید اند عمر
مبارک خود در توابع کابل خصوص در قریهٔ بغنی از مضافات چاریکار بسر برده اند صاحب
فیض و رشد بودند در سنه ۱۳۲۲ هزار و سه صد و بیست و دو هجری انتقال نمودند مرقدش در قریهٔ بغنی است
ایشان از چهار پسر خلف شدند حضرت میان عطاء احمد عرف عطا جان حضرت میان
عبدالحمید عرف گل جان حضرت میان عبدالجلیل حضرت میان عبدالغنی حضرت میان
عطا جان در ملازمی حکام کابل در توابع بدخشان وغیره بکار حکومت مشغول عمرش تقریباً
۶۰ سال ایشان از چهار فرزند میان گل احمد نیز به تبع والد مکرم خود در ملازمی حکام
وقت مشغول یک فرزند دارند که میان محمدی. میان محمد هاشم و میان محمد اسماعیل
و میان فقیر محمد سه برادر در وطن خویش عمر عزیز خود بیگذرانیدند شخصے با تقویٰ و تحمل بود
تقریباً چهار سال قبل از تحریر هذا بحکم حاکم کابل در قضیهٔ حضرت شهادت چشیدند ایشان عقب

میان گل جان

خلف گذشتند میان غلام نصیر الدین میان بدر الدین میان غلام نبی میان عبد الرشید
میان فخر الدین میان غلام محی الدین میان عبد الرزاق سلمهم ربهم. حضرت میان عبد الفتاح
پسر سوم حضرت میانجی صاحب اند عمرش تقریباً ۵۰ سال ایشان را چهار پسر میان عبد الرحمن
میان جلال الدین میان عبد الرشید میان غلام ابراهیم سلمهم ربهم. حضرت میان عبد الغنی
پسر چهارم حضرت میانجی صاحب است ایشان را دو فرزند میان عبد الستار میان غلام نبی
و حضرت میان عبد الغنی مذکور سکونت در ده محمود بند کابل داشتند بنام تکیگی مشهور اند عمرش
تقریباً سی و دو سال. حضرت میان نبی معصوم عرف حضرت میان تبرک صاحب
فرزند چهارم حضرت شهید اند عمر شریف خود را در سنجاب کابل میگذرانیدند و آخر
در لغمانی سکونت کردند انتقال ایشان نیز در همانجا بوقوع آمد مرقد مبارکش هم آنجا ایشان را
پنج پسر خلف شدند حضرت میان غلام حضرت. حضرت میان عبد الوهاب حضرت میان
عبد الحق حضرت میان عبد الستار حضرت میان فضل محمود جناب میان غلام حضرت
فرزند نخستین ایشان بعمر پنجاه و سه سالگی در صد و دوازده رحلت نمودند مرقدش هم
در لغمانی است ایشان را چهار فرزند خلف شدند حضرت حاجی عبد الصمد حضرت میان
عبد الاحد حضرت میان عبد الغفار حضرت میان غلام بهاء الدین. حضرت حاجی عبد الصمد
با انواع کمالات کرامات از نسبت طریقت بهره وافی بهم رسانیده وجود شریفش
مغتنم وقت عمرش تقریباً ۷۰ سال اکثر در وطن خود میگذرانند بعض اوقات بسفر
سند و تشریف می آرند ایشان را پنج پسر میان غلام نجم الدین میان حفیظ الصمد
میان شمس الدین میان غوث الدین میان محمد مسعود سلمهم ربهم حضرت میان عبد الاحد
برادر دوم حاجی عبد الصمد عمرش تقریباً ۵۰ سال یک فرزند دارند بعمر ده سالگی مسمی عبد الحلیم

حضرت میان عبدالغفار برادر سوم حضرت عبدالصمد نیز سکونت در بخارا نمودند عمرش تقریباً
۴۴ سال یک فرزند ده ساله مسمی محمد قاسم سلمه به حضرت میان بهاء الدین برادر
چهارم حاجی عبدالصمد عمرش تقریباً ۲۲ سال از اولادش آگهی نشد حضرت میان عبداللہ
فرزند ثانی حضرت میان تبرک صاحب بودند ایشان را یک فرزند میان محمد یوسف
میان محمد یوسف را نیز یک پسر میان محمد یعقوب سلمهم هم حضرت میان عبدالحی
فرزند ثالث حضرت میان تبرک صاحب بودند ایشان را یک فرزند میان عبدالواحد
حضرت عبدالواحد را دو پسر میان حضرت جان میان غلام محمد سلمهم هم حضرت عبدالقادر
فرزند رابع حضرت میان تبرک بودند ایشان را یک پسر است میان عبدالصمد جان
حضرت عبدالصمد جان را نیز یک پسر میان فضل کریم سلمهم هم حضرت میان فضل محمود فرزند
خامس حضرت میان تبرک بودند ایشان را سه پسر میان فضل رحمان میان فضل احمد میان
فضل رحیم سلمهم هم حضرت میان عبدالحکیم فرزند پنجم حضرت شهید قدس سره بودند مؤلف
کتاب در ایام صغر سن بشرف قدمبوسی ایشان رسیده بود و حلیه مبارکه ایشان را یاد داشت ایشان
میانه بود کلانش حضرت میان بادشاه صاحب سابق الذکر هر دو هم حقیقی برادر و اخوال
حضرت والد فقیر بودند سکونت ایشان در محال و هرات از مضافات قندهار شده بود
انتقالش هم در آنجا بوقوع آمد حضرت ایشان هشت پسر خلف شدند میان عبدالرؤف
میان عبدالقادر میان عبدالحبیب میان عبدالمالک میان غلام محمد میان محمد حسن
میان محمد حسین میان عبداسد عرف پهلوان حضرت حاجی عبدالرؤف در طول عمر خود پنج
سند و اوقات خود بسر میبردند استعمال علم طب بوجه نیک میفرمودند عمرش هفتاد ساله
هم در آنجا رحلت نمودند یک پسر خلف گذاشتند حضرت عبدالقادر پسر دوم حضرت عبدالحکیم

در کراچی سنده سکونت داشتند در عهد ولایت خود رحلت نمودند دو فرزند خلف
گذاشتند میان غلام محمد میان عبدالرزاق حضرت میان غلام محمد شخصی با فضیلت
و صلاح و طالب علم نیک استعداد داشت سلمه میان عبدالرزاق هم در کراچی به برادر
کلان خود میباشند حضرت عبدالحبیب پسر سوم حضرت عبدالحکیم در بجوب کابل عمر خود
را آخر میبردند از ایشان دو پسر منتشر شدند میان عبدالظاهر میان عبدالغنی پسر
میان عبدالظاهر یک فرزند میان غلام جیلانی میان عبدالظاهر معروف غلام حسن بعمر ۵
برادر خود در بجوب سکونت دارند از احوال اولاد شان آگهی نشد. حضرت میان عبدالملک
پسر چهارم حضرت عبدالحکیم بودند الحق به روزگار خود در علوم فقه چون نجوم و رمل درک نیک
داشتند طب را بمهارت خوب استعمال میکردند طبع موزون با توضیع کامل داشتند
در قضیهٔ طاعون اول هم در کراچی بعمر ۸۰ سالگی انتقال فرمودند عقب ایشان یک پسر
میان نور الحق که در عین جوانی بعمر ۲۰ سالگی در طاعون دوم یا سوم هم در کراچی رحلت
نمودند لاعقب له. حضرت میان غلام مجدد پسر پنجم حضرت عبدالحکیم بودند در میراوت
تمنداری بجای والد بزرگوار خود بودند دو پسر خلف گذاشتند میان محمد امیر جان و میان
محمد اعظم جان میان محمد امیر جان سلمه اندرین وقت در کراچی سنده و تقریباً بعمر ۷۰ سالگی
به نام نیکی میگذرانند میان محمد اعظم جان بعمر ۴۰ سالگی در شکارپور سنده رحلت نمودند
میان محمد حسن پسر ششم حضرت عبدالحکیم بودند در عین شباب بحیدرآباد میان
محمد حسین پسر هفتم حضرت عبدالحکیم رحلت نمودند لاعقب لهما میان عبدالصمد پسر هشتم
حضرت عبدالحکیم در میراوت بجای والد بزرگوار خود بودند از احوال اعقاب شان اطلاعی نشد
حضرت میان فضل معصوم فرزند ششم حضرت شهید قدس سره بودند معروف ایشان حضرت

میان جان صاحب بود اکثر اوقات عمر عزیز خود را در کراچی سنده و بآخر رسانیده بودند
مؤلف بشرف ملاقاتش در حدود سنه [illegible] رسیده بود و اوضاع پسندیده داشتند آخر
در شهر پالن پور گجرات در حدود سنه [illegible] انتقال فرمودند نواب پالن پور که مخلص
ایشان بود مزار مبارکش بطرح نیک تعمیر نموده ایشان اولاد ذکور خلف نگذاشتند
رحمة الله با تمام رسید احوال اولاد حضرت شهید قدس سره. حضرت شاه
شمس الدین فرزند سوم حضرت شاه غلام نبی بودند متصف با وصاف کمال بودند
سکونت در محال لهوگر از توابع کابل داشتند انتقال هم آنجا کردند ایشان یک فرزند خلف
گذاشتند حضرت میان غیاث الدین ایشان جانشین حضرت والد ماجد خود بودند هم
در لهوگر عمر عزیز خود بآخر رسانیدند و بعد انتقال چهار پسر خلف گذاشتند حضرت میان
غلام رسول حضرت میان عبد السلام حضرت میان عبد الستار معروف بابو جان حضرت
میان فضل حق. حضرت میان غلام رسول فرزند نخستین ایشان عمر شریفش به شصت
سال رسیده بود که سلوک طریقت بلکه خرقهٔ خلافت از خال خود حضرت ضیاء معصوم
ساکن چهار باغ جلال آباد حاصل کردند بقیه ایام عمر شریف خود در سلوک طریقت گذرانید
در عمر هفتاد سالگی داعی اجل را لبیک گفتند از وشان یک پسر خلف ماند میان فضل احمد
او ثنان نیز قائم مقام والد شریف خود بودند در سنه ۱۳۳۳ رخت اقامت ازین دنیا بدار
بقا بستند ایشان نیز یک پسر خلف گذاشتند مسمی شیر محمد جان که وقت تحریر
مسوده کتاب بعمر پانزده سالگی حیات بودند سلمه ربه. حضرت میان عبد الکریم فرزند
دوم حضرت غیاث الدین لا ولد انتقال کردند حضرت میان عبد الستار معروف بابو جان
فرزند سوم حضرت غیاث الدین بودند اوقات عمر عزیز خود را صرف بتهجد عشق و ارشاد (شیخ)

استدام و برضے به بندگی بادشاه حقیقی بآخر رسانیدند تقریبا در سنه ۱۳۳۶ بعمر شصت و یک
سالگی رحلت فرمودند پنج پسر خلف گذاشتند میان غلام سرور، میان غلام صفدر عرف
صوفی آقا، میان غلام معصوم، میان غلام محسن، میان غلام اکبر. اولاد میان غلام سرور
و غلام صفدر معلوم نشده. میان غلام معصوم یک پسر غلام انور، میان غلام عثمان
دو ولد رخصت کردند. میان غلام اکبر نیز یک پسر که نامش آگهی نشد. حضرت میان
فضل حق فرزند چهارم حضرت میان غیاث الدین اند که عمر عزیز خود در خوست و کوهستان
و هرات گذرانیدند سه فرزند داشتند میان غلام یحیی، میان غلام زکریا، میان عبد الرشید
سلمهم. حضرت میان ولی محمد فرزند چهارم حضرت شاه غلام نبی قدس سره بودند ایشان
عمر عزیز خود را در مجال و هرات و توابع شهر قندهار بآخر رسانیدند ایشان از فرزند که بجز
کتاب معلوم نشده یک پسر نجیب گذاشتند. حضرت میان نور الدین ایشان چهار پسر
خلف گذاشتند میان بهاء الدین عرف بچجان، آقا باقی فرزندان ایشان بنامها معلوم نشدند
حضرت میان محمد افضل فرزند پنجم حضرت شاه غلام نبی قدس سره بودند ایشان یک فرزند
خلف گذاشتند میان سلطان محمد. میان سلطان محمد در جوانی بسن ۲۵ سالگی راه
رحلت فرمودند رحمهم الله اسلافهم و بورک فی خلافهم. باتمام رسید احوال اولاد حضرت
غلام نبی قدس سره. حضرت میان محمد مهدی فرزند سوم حضرت شاه غلام حسن قدس سره
بودند حضرت جد امجد صاحب عمدة المقامات میفرمایند که ایشان در این وقت اکبر عیال
فقیر است در صدد بانجه بارشاد مشغول است ایشان را پنج پسر بودند شاه معصوم، عطا معصوم
فضل معصوم، صدا معصوم نام پنجم معلوم نشد. شاه معصوم که فرزند اول حضرت میان
مهدی بودند ایشان را سه پسر بنامهای ایشان معلوم نشد. عطا معصوم را نیز سه پسر

اولاد جهان جاه این نیز و از احوال اولاد باقی سه برادران احقر بسبب بعد وطن تا وقت
تحریر هیچ آگهی نشده هر که بر آن اطلاع یابد ملحق سازد و جناب اخضر خیر حضرت میان ابوالحسن
فرزند چهارم حضرت شاه غلام حسن قدس سره بودند از ایشان چهار فرزند خلف شدند حضرت
میان فاروق حضرت میان غلام نبی حضرت میان گل صاحب حضرت میان محمد الله
میان فاروق صاحب که فرزند نخستین حضرت ابوالحسن بودند ایشان را هفت پسر خلف
شدند میان سلطان میان فضل معصوم میان رضا معصوم میان ابو جان میان غلام
میان فضل کریم میان فضل احمد. میان سلطان که فرزند نخستین حضرت میان فاروق بودند
ایشان را پنج پسر غلام رحمان فضل رحمان غلام اکبر غلام نبی سید اکبر حضرت میان
غلام رحمان در وقت تحریر مسوده این کتاب بعمره ساله گی در ملک که خوگیانی جلال آباد
حیات بودند ایشان را یک فرزند مسمی سید غفار سلمه ربه حضرت فضل رحمان رحلت نموده
یک فرزند خلف گذاشته اند مسمی سید رحمان سلمه ربه حضرت غلام اکبر نیز در کوه
سکونت دارند ایشان را دو پسر محمد و سید غفار سلمهما ربهما حضرت غلام نبی انتقال نموده یک
فرزند خلف گذاشته که از نامش آگهی نشد. حضرت سید اکبر نیز انتقال نموده اند
از اولادش آگهی نشد میان فضل معصوم که فرزند دوم میان فاروق صاحب بودند
ایشان را نیز پنج پسر خلف شدند سید غلام جان مرید جان غلام قیوم غلام سرهندی
سید حبیب. سید غلام جان وفات کرده دو فرزند گذاشته میان سرهندی میان غلام
در شیوه سرشاهی از مضافات جلال آباد سکونت دارند سلمهما ربهما مرید جان سکونت در
ترکستان دارند از اولادش آگهی نشد خودش انتقال نموده اند غلام قیوم بعمر ساله گی
حیات شدند سکونت در بلخ دارند سلمه ربه غلام سرهندی انتقال کرده اند احوال اولادش

معلوم نشد سید حبیب نیز رحلت نمودند لاعقب از حضرت شاه معصوم فرزند
سوم حضرت میان فاروق بودند ایشان نیز پنج پسر بودند شاه معصوم غلام معصوم
غلام دستگیر فضل سبحانی غلام حضرت شاه معصوم وفات کرده، ندانم صاحب
فرزند است آگهی نشد در مزید از نواحی جلال آباد سکونت دارند غلام معصوم وقت
مسوده کتاب بعمر ۷۴ سالگی حیات بودند سکونت ایشان در سرشاهی جلال آباد یک
فرزند دارند که از نامش اطلاع نشد. غلام دستگیر ایشان نیز رحلت کرده اند یک
پسر دارند که از نامش آگهی نشد. سکونت شان در سرشاهی مذکور فضل سبحانی رحلت
نموده اند از عقبش اطلاع نشد. غلام حضرت تقریباً بعمر چهل سال در قید حیات هستند
حضرت لاهوری جان فرزند چهارم حضرت میان فاروق بودند ایشان دو فرزند میان
غلام عثمان میان ذبیح عمر میان غلام عثمان که فرزند کلان حضرت لاهوری جان اند ایشان
سه فرزند میان فضل محمد میان فضل واحد میان فضل قدوس میان فضل محمد سکونت شان
در نواحی تعبیر شب قدر از مضافات پشاور بود و در کراچی سنده هم در کراچی بعمر چهل
تقریباً انتقال نمودند میان فضل واحد و میان فضل قدوس هر دو برادر در شب قدر مذکور
سکونت دارند سلمهما ربهما میان ذبیح عمر فرزند دوم حضرت لاهوری جان بودند سکونت شان در
چپلیاره از نواحی جلال آباد دو فرزند گذاشتند میان غلام عمر محمد عمر سلمهما ربهما حضرت
غلام اکرم فرزند پنجم حضرت میان فاروق بودند بعمر هشتاد سالگی رحلت نمودند ایشان
چهار پسر حضرت میان محمد فرید میان غلام قمر میان شمس الحق میان غلام حمید حضرت
میان محمد فرید شفیع صاحب حیات و زراعت است سکونت در شهر چوک ضلع کراچی
سنده دارند عمرش تقریباً ۵۰ سال سه فرزند دارند میان عبدالغفور میان محمد حسن

میان احمد حمید میان عبدالغفور و میان محمود حسن هر دو طالب علمان با استعداد اند
سلمهم ربهم میان غلام قنبر فرزند دوم حضرت غلام اکرم نیز سکونت در شهر چورک دارند ایشان را
شش فرزند میان غلام قادر عبدالباقی عبدالرسول غلام رسول غلام فاروق غلام نبی
سلمهم ربهم میان شمس الحق فرزند سوم حضرت غلام اکرم بطرح زندگی میگذرانند میان
غلام حمید صغیر السن در وطن خود شهید شده بیاشند سلمه ربه حضرت میان فضل اکرم
فرزند ششم حضرت میان فاروق بودند بعمر ۸۰ سالگی تقریباً در چپلیار رحلت فرمودند
مؤلف در سنه ۱۳ در پشاور به ملاقات ایشان رسیده بود و این احوال خاندان ایشان
که اول و حضرت ابوالحسن اند از زبان ایشان ثبت میشود ایشان را چهار پسر شاه ناظر
شاه خسرو کیخسرو فضل باقی هر چهار پسر او یکجا همراه والد خود حیات شده از عقائدش
آگهی نشد سلمهم ربهم حضرت میان فضل عمر فرزند هفتم حضرت میان فاروق بودند ایشان
بطرح آزادگی کامجد در وقت انگریزی عمر خود بآخر رسانیده اند لاعقب له حضرت میان
غلام نبی فرزند دوم حضرت ابوالحسن ابن حضرت شاه غلام حسن اند ایشان پانزده پسر
خلف گذاشتند سید حسن سید نبی سید معصوم سید قاسم علی اصغر [illegible]
شاه ریحان میر باد شاه نوبهار شاه علی اکبر سعادت ملوک نامهاست چهار باقی معلوم نشد
ولیهم کفایة و زیاده سید حسن فرزند اول حضرت غلام نبی بعد رحلت یک پسر خلف
گذاشتند غلام حسن سکونت در سرشاهی جلال آباد دارند سلمه ربه سید نبی فرزند ثانی
حضرت غلام نبی را دو فرزند خلف شده اند سید جلال پسر معصوم سید جلال را دو پسر موسوم
و فرید پسر معصوم را ولاد معلوم نشد سید معصوم فرزند ثالث حضرت غلام نبی لاولد
رحلت فرمودند علی اصغر فرزند پنجم حضرت غلام نبی را دو پسر خلف شدند قاسم جان و جانباز

هاشم جان عمرش تقریبا ۵۰ سال از علوم باخبر سکونتش در باندهٔ میرشاهی از توابع
جلال آباد سیر جنش اکثر بیست بلاد دیره و آسترلیا جاپان سکونت در خانه آباد ترکستان
و هند بوده فرزند معصوم جان غلام بزرگ معصوم جان در قید حیات غلام بزرگ
رحلت نموده‌اند سید قاسم فرزند رابع حضرت غلام جی را عقب معلوم نشد علی اصغر فرزند
خامس حضرت غلام جی را نیز عقب معلوم نشد تاج ملوک فرزند سادس حضرت غلام جی
وقت تحریر مسوده کتاب بعمر ۵۰ سال در میرشاهی مذکور بقید حیات اند شاه ریحان فرزند
سابع حضرت غلام جی رحلت فرموده اند دو پسر خلف گذاشتند از نامهایش آگهی نشد
میر بادشاه فرزند ثامن حضرت غلام جی است در قید حیات اند عمرش ۵۰ تقریبا
نور بادشاه فرزند تاسع حضرت غلام جی است حیات اند از نام و احوال پسرانش آگهی نشد
علی اکبر فرزند عاشر حضرت غلام جی است انتقال کرده اند ایشان را یک پسر میان جان
سکونت میان جان در باندهٔ مذکوره میرش بیک ترکستان سعادت ملوک فرزند حادی عشر
حضرت میان غلام جی است سکونتش در باندهٔ میرشاهی. حضرت میان گل فرزند
سوم حضرت میان ابوالحسن اند ایشان را چهار پسر میان محمد حسین میان فقیر میان
گدا معصوم میان فدا معصوم میان محمد حسین انتقال فرموده اند مرقدش در
چلپیا است سه فرزند خلف گذاشتند میان ولی شاه سید امام شاه صاحب
میان دلبر شاه انتقال کرده اند یک پسر سید ابرار عمرش ۲۰ سال سکونت در چلپیا
سید امام حیات اند فرزند نرینه ندارند شاه صاحب نیز در قید حیات اند از پسرش
آگهی نشد میان فقیر صاحب فرزند دوم میان گل صاحب وفات کرده اند دو فرزند خلف
گذاشتند میان مسعدی میان قیوم میان مسعدی وفات کرده اند دو پسر گذاشته میان خیر جان

میان نذیر جان سلمه ربه. میان قیوم رحلت کرده اند لاعقب. میان گدائی معصوم فرزند سوم
میان گل صاحب وفات کرده اند و سه پسر خلف گذاشته اند عبدالصمد جان عبدالکریم عبدالمجید جان
وفات کرده اند و یک پسر میان وزیر جان عرف تقریباً ده سال سکونت در چلیار
عبدالکریم در قید حیات است اولاد ندارد. میان فدا معصوم فرزند چهارم میا گل
صاحب رحلت نموده اند ایشان را سه فرزند خلف شدند منعم جان شیغلی جان غفور جان
غلام جان حیات اند در چهاردهی ننگرهار سکونت داشتند اولادش آگهی نشد.
صیقل جان نیز حیات اند در بی کوت از توابع جلال آباد سکونت دارند یک فرزند
دارند مسمی غفور جان سلمهم ربهم. حضرت میان محمد انور فرزند چهارم حضرت میان ابوالحسن اند
اوشان را سه فرزند بودند سید بادشاه حضرت شاه میان جان سید بادشاه وفات کرده
دو فرزند خلف گذاشته است معشوق جان میان پیر جان معشوق جان سه فرزند
دارد و سید خلیل. تا حال دو برادر سید خلیل معلوم نشد. پیر جان فرزند نرینه
ندارد. حضرت شاه فرزند دوم حضرت محمد انور رحلت نموده اند از تا حال اولادش
آگهی نشد میان جان فرزند سوم حضرت محمد انور لاولد انتقال نمودند. با تمام رسید احوال اولاد
حضرت میان ابوالحسن. حضرت میان عبدالوهاب فرزند خامس حضرت شاه غلام حسن
قدس سرهما و عم رابع حضرت جد امجد می باشند هر چند در تذکره ها و نسب نامها جستجو
شد پیدا نشد حضرت ایشان کسی اولاد نوشته اند غالب که لاولد انتقال فرموده اند
رحمه ربه. حضرت میان حاجی صاحب فرزند سادس حضرت شاه غلام حسن اند قدس سره
و عم خامس حضرت جد امجد صاحب عمده می باشند حضرت ممدوح سکونت در قریه سرباغ
قندهار داشتند به نهایت مراتب کمال و کمال رسیده بودند وفات هم آنجا یعنی در سرباغ کرده اند

حضرت ایشان را سہ فرزند خلف شدند حضرت بہاء الدین حضرت غلام رسول عرف میان
لالا صاحب حضرت عبدالکریم عرف پیر آغا۔ حضرت بہاء الدین فرزند نخستین حضرت
حاجی صاحب اند سکونت در محال میرانزا از توابع تیراہ داشتند و دران عہد خلق
بسیار از مردم غلزئی افغانان ببرکت صحبت ایشان از اعمال وحشیانہ رو بصلاح آوردند
ایشان ہفت پسر خلف گذاشتند محمد کبیر محمد نظام محمد فضل دین آغا ناصر الدین
غلام حیدر غلام صدیق۔ حضرت عبدالکبیر فرزند نخستین حضرت بہاء الدین اند مؤلف
بشرف ملاقاتش رسیدہ است لباس فقیری بطرح افاغنہ با موئے دراز سر بر داشتند
ایشان نہ پسر خلف گذاشتند۔ محمد سعید غلام محی الدین غلام فاروق محمد معصوم محمد ایوب
از نام ہائے چہار باقی آگہی نشد۔ میان محمد سعید کہ فرزند اول حضرت عبدالکبیر بودند رحلت
نمودہ اند سہ پسر خلف گذاشتہ اند عبدالحمید حبیب الصمد ابراہیم جان عبدالحمید پسر محمد سعید
یک پسر مسمی نفس محمد جان از اولاد و دو پسر او باقی عبدالحمید آگہی نشد میان غلام محی الدین
فرزند ثانی حضرت عبدالکبیر را چہار پسر عبدالمجید عبدالمنان عبدالحلیم فضل جان۔
میان غلام فاروق فرزند ثالث حضرت عبدالکبیر را یک پسر میان عبدالرحمان
میان عبدالرحمان را نیز یک پسر عبدالستار۔ میان محمد معصوم فرزند رابع حضرت
عبدالکبیر را سہ پسر غلام رسول عبدالصمد و سعد اللہ جان۔ غلام رسول را فرزند دار محمد خلیل
و امیر محمد۔ میان محمد ایوب فرزند خامس حضرت عبدالکبیر را پنج پسر عبدالشکور عبدالغفور
عبدالکریم محمد یعقوب محمد عظیم۔ میان نظام الدین عرف ننگ آغا فرزند دوم حضرت
بہاء الدین بن حضرت حاجی صاحب بودند احوال اولاد شان معلوم نشد میان محمد
عرف فندی آغا فرزند سوم حضرت میان بہاء الدین صاحب بودند از او دو پسر غلام قادر

غلام محی الدین غلام قادر یک پسر دارد میان فضل الدین نام و دین آقا که فرزند چهارم
حضرت میان بهاء الدین صاحب بودند ایشان دو پسر خلف شدند محمد حسن و اکبر جان
میان محمد حسن را یک پسر است فتح محمد نام میان امام الدین و میان غلام حیدر که
فرزندان خامس و سادس حضرت میان بهاء الدین صاحب بودند حوالی اولاد ایشان
معلوم نشد میان غلام صدیق فرزند سابع حضرت بهاء الدین را دو پسر خلف شدند میان
شیرین و میان سرور جان میان شیرین را یک پسر محمد حلیم نام سلّمهم ربهم حضرت میان غلام محمد
عرف میان لالا صاحب فرزند ثانی حضرت حاجی صاحب قدس سره بودند سکونت در قریه
سروره از توابع قندهار داشتند مؤلف کتاب بشرف دست بوسی شان رسیده بود شخصے بزرگ
دستور و با وقار بودند در سنه ۱۲ سفر [illegible] گوشه نشین کردند عمر درازے یافتند آخر در حدود شده
رحلت کردند چهار پسر داشتند میان جان صاحب میان نور محمد میان غلام اعظم
که مشهور به کوکو آقا است میان محمد سعید میان جان صاحب که پسر اول حضرت میان لالا صاحب
بودند بعد وفات قبله گاه خود رحلت نمودند یک فرزند خلف گذاشتند میان عبد الحمید
ایشان بکمال مروت و فتوت آراسته بودند در سنه ۱۲۳۲ انتقال فرمودند در مقبرهٔ اجداد
خود واقع سروره مدفون شدند یک پسر خلف گذاشتند میان محمد حسن عرف حسنو آقا
ایشان را یک فرزند مسمّی اختر محمد عمر دوازده ساله گی سلّمه ربه میان نور محمد فرزند دوم حضرت
میان لالا صاحب دو پسر خلف گذاشتند عبد القدوس و سرور جان میان عبد القدوس خود
را دو پسر شیرین جان و ابراهیم جان و میان سرور جان را یک پسر مسمّی میان عبد الحکیم
میان غلام اعظم عرف کوکو آقا فرزند سوم حضرت میان لالا صاحب را چهار پسر میان
بهاء الدین میان عبد الستار میان غلام حسن میان ضیاء الدین سلّمهم ربهم میان محمد سعید فرزند

چہارم حضرت میاں لالا صاحب را یک پسر میان عبدالحکیم نام حضرت میاں عبدالکریم
فرزند ثالث حضرت حاجی صاحب ایشان دو فرزند خلف شدند میان احمد جان و میان
احمد جان پسر وے انتقال فرمودند میان احمد جان مذکور را سه فرزند خلف شدند میان عبدالباقی
میان عبدالغفور میان عبدالغنی میان عبدالباقی موصوف خلف نمودند یک فرزند خلف
دارند میان عمر جان نام و میان عبدالغفور برادر دوم میان عبدالباقی را سه فرزند میان
عبدالقیوم میان عبدالظاہر میان عبدالرحیم سلمہم بجہم و میان عبدالاحد جان که فرزند
ثانی حضرت عبدالکریم بودند ہیچ از دو فرزند محمد یعقوب و عبداللہ جان سلمہما ربہما حضرت
میان غازی فرزند ہفتم حضرت شاہ غلام حسن و عم ششم حضرت عبدالمجید قدس سرہ
ثانی امر اہم بودند حضرت حاجی صاحب بن حضرت شاہ غلام حسن و حضرت سید
غازی صاحب ترتیب و حضرت میر غلام نبی صاحب والد حضرت صاحب عمدہ برادر
ہم حسینی بودند والدہ ایشان از سادات کرام بود چنانچہ والدہ حضرت شاہ غلام حسن
و شاہ غلام حسین نیز از سادات کرام بود و والدہ حضرت سید امجد صاحب عمدۃ النقبات
و حسینی الوطن ایشان حضرت شہید خود حضرت بی بی صاحبہ کلان دختر شاہ عطاء اللہ صاحب
بخاری است ازین سبب اسما مبارک ایشان بر سر طبقہ لفظ شاہ و میر اطلاق میشود
حضرت میان غازی صاحب سکونت در محال پوری که ناحیہ ایست از نواحی قندہار
میداشتند و صاحب نسبت عالی بودند انتقال ہم در پوری فرمودند ایشان چہار
فرزند خلف گذاشتند میان غلام ابراہیم میان غلام جیلانی میان غلام محی الدین
میان عبدالحمید حضرت میان غلام ابراہیم فرزند نخستین حضرت میان غازی صاحب
بودند صاحب نسبت قوی بودند اکثر عمر شریف خود را در ریاضات میگذرانیدند

کرامات و خوارق عادات از حضرت ایشان زبانزد اهل آن دیار است، ایشان نیز
انتقال در بوری کردند دو فرزند خلف گذاشتند میان غلام معصوم و میان عبدالقدوس
میان عبدالقدوس در جوانی رحلت نمودند حضرت میان غلام معصوم با یک فرزند
خلف ماند میان محمد سالم نام که نواسه حضرت ثانی صاحب فرزند دوم حضرت شهید
و داماد حضرت والد مؤلف بودند بمحاسن صوری و معنوی آراسته بودند در عین جوانی در
قضیه طاعون در شهر کراچی سنه ۱۳۲۳ انتقال فرمودند یک فرزند خلف گذاشتند
میان غلام ابراهیم ایشان نواسه حضرت والد مؤلف بودند صلاحیت نیک داشتند
افسوس که بعمر بیست سالگی در قضیه طاعون شکارپور سند در حدود سنه ۱۳۳۲ ما در رحلت
نمودند خاندان حضرت غلام ابراهیم ولد حضرت میان غازی صاحب بر غلام
ابراهیم ثانی بن محمد سالم ختم گشت بله الامر من قبل ومن بعد. حضرت غلام جیلانی
فرزند دوم حضرت میان غازی بودند سکونت در بوری مذکور داشتند جلادت و شهامت
بسیار داشتند با قوم مزاری که شعبه از شعب رافضی است و بران حدود بقتال
هم آتشی هستند و در آن عصر حسب دستور تاراج و مقاتله از طرفین باهم بوقوع می‌آمد حضرت
غلام جیلانی نیز در معرکه از معارک قوم مزاری بزخم گوله تفنگ شربت شهادت چشیدند
چهار پسر خلف شدند میان غلام حیدر و غلام محمد غلام رسول غلام مجید و حضرت میان
غلام حیدر در سلوک طولی سبز طبیعه در فن جلادت و تهور چون پدر بزرگوار خود مشهور
آفاق گشتند سیصد و شصت قبله گاه مؤلف بودند اکثر اوقات عمر عزیز خود را در دار و گیر
مقاتله قوم رافضی بسر می‌بردند تا چونکه این قوم اشقیا در دنیا بیشتر قوت و شوکت
و کثرت بودند کار یکه میخواست کما ینبغی اتفاق نمی‌افتاد آخر بحکم الحرب سجال عه

هنگام مصالحه در میان آمدند وقتی دو نفر از مسانید و سرداران اشقیا بطریق مسالمه
نزدش نزول نمودند حضرت میان غلام محمد در بهانهٔ ادای حقوق ضیافت یک یک
از جهت نخانه کشیده در مسلخ ذباحت آورده ذبح میکنانید تا که جمله ماه انفار والله شهید خود
ذبح نمودند خود و نیز شهید گردیده آوازه میگشت آخر بعد انتظام حکومت بر جای خود استقرار
یافتند در صد و دو سنه در شهر کلات چوپی رحلت نمودند از ایشان یک فرزند بنام
عبدالله نام که بطریق ما آبائی در صد و دو سنه و میگذرانند میان غلام محمد پسر دوم
حضرت غلام جیلانی در غربت در صد و دو کی در بیخ رحلت نمودند عقب او میان غلام پسر
پسر سوم حضرت غلام جیلانی او در عمر خود در صد و دو سنه با وضاع مختلف بسر بردند در شهر
بابا ضلع حیدرآباد رحلت نمودند از ایشان چهار پسر خلف شدند عبدالحمید محمد ابراهیم محمد اسماعیل
احمد جان میان غلام محمد دو پسر چهارم حضرت غلام جیلانی در عنفوان جوانی بقهر کشته در
وفات نمودند عقب او دو میان غلام محی الدین فرزند ثالث حضرت میان غازی و
میان عبدالحمید فرزند رابع حضرت میان غازی عقب معدوم شد باتمام رسید
احوال اولاد حضرت غلام حسن قدس سره رحمهم الله تعالی اسلافهم وبارک فی اخلافهم۔

تذکرۂ سابعه بیان ولادت قطب زمان قیوم جهان مرجع اهل حضرت حاجی محمد صفی نور الله مرقده

احوال حضرت ایشان از ابتدای سن طفلی تا وصول بمقامات عالیات و تفصیل کشف
و کرامات و شمول فیض عامش بتمامی جهت در ذات ایشان در صفحه بستان
و مزار فیض انوارش در صحیفه از بهار در مین جمله در عمدة المقامات حضرت جد امجدم
بتفصیل تمام نوشته اند بلکه موضوع کتاب مذکور غلبت غنی از ذکر حضرت ایشان است

این کتاب که موضوعش بیان انساب مجددیان است گنجایش بیش ازین تفصیل
ندارد حضرت ایشان فرزند نهم حضرت قطب الاقطاب شیخ حاجی غلام محمد معصوم
معروف بمعصوم ثانی اند ولادت ایشان چهارم ذیقعده سنه ۱۱۷۱ از والد شریف ایشان
منقول است که شب تولد ایشان بزیارت حضرت ابو البشر علیه السلام مشرف شدم
حضرت ابو البشر مرا فقیر بشارت دادند که ترا بخیر فرزندے تولد خواهد شد که محبوب اولاد
و نسبت آباء و اجداد خواهد بود و عالمے از و منور خواهد شد اسم او ایوب گذارند چون
ایشان بیدار شدند و بعد نماز فجر در خانقاه مشغول مراقبه شدند دیدند که جسمی بخانه
ایشان نزول نموده میگوید که برائے زیارت فرزند نو متولد شده تو آمده ام درین
بودند که بشارت تولد آن قرة العین بسمع مبارک رسانیدند انتهی مختصرا صاحب هدیه
مینویسد ایشان ولی کامل و عالم و فاضل و صاحب تصانیف بودند سجع مهر شان این بود

کنده بر لوح دل صفی الله	کلمه لا اله الا الله

موافق گویند وفات ایشان صبح یوم اثنین ماه ذیقعده سنه ۱۲۴۰ در جب بقرب عیدگاه
مدفن مدفون شهر جدید ه فقیر در سنه ۱۲ بخدمت حضرت قبله خود بزیارت ایشان مشرف
شده است طویل العمر بودند ایشانرا سوائے بنات هشت پسر خلف ماندند حضرت
شاه ولی الله حضرت میان قدرة الله حضرت میان کرامة الله حضرت میان امین الله
حضرت میان ذکر الله حضرت میان محبوب الله حضرت میان سطیح الله حضرت میان
عبد الباقی قدس اسرارهم حضرت شاه ولی الله فرزند نخستین حضرت قیوم جهان بودند
احوال و درجات کمال و کمال زهد و تقوے و تبتل و انزوای ایشانرا حضرت جد امجد
بتفصیل نوشته اند آنچه موافق کتاب معلوم شد و ایشانرا یک پسر بود میان محمد

که در مراجعت از سفر حرمین الشریفین بسبب شکست جهاز در دریا غرق گ
شتند و شربت شهادت چشیدند ایشانرا یعنی حاجی میان غلام رسول را یک پسر
عقب ماند که نامش و نام اولادش معلوم نشد. حضرت میان قدرة الله فرزند دوم حضرت
قیوم جهان بودند بدو صاحب کمال قدوه ارباب حال بودند از حضور حضرت
والد بزرگوار خویش کسب کمالات طریقه نقشبندیه انتها رسانیده بودند بعد از رحلت والد
شریف بر مسند ارشاد جلوه فرما شدند در فی حتی کوهستان کابل سکونت داشتند.
ایشانرا شش فرزند خلف شدند میان آیة الله میان فضل الله میان عطای نقشبند
میان ثنای نقشبند میان گدای نقشبند میان فدای نقشبند حضرت میان آیة الله
که فرزند نخستین حضرت قدرت الله بودند در حین حیات والد ماجد خود کامل و
مکمل گردیده بودند ازایشان سه فرزند خلف شدند حضرت میان نبی الله میان غلام
میان ثناء الله حضرت میان نبی الله که فرزند اول حضرت میان آیة الله بود ایشانرا
چهار فرزند خلف شدند میان فضل الله میان غلام محی میان غلام قیوم میان عبدالسلام
ازانجمله میان غلام قیوم بعز شهادت رسیدند سه فرزند خلف گذاشتند میان
عبدالواحد میان عبدالهادی میان گل جان سلمهم ربهم سه فرزندان باقی حضرت
میان نبی الله را عقب معلوم نشد حضرت میان غلام الله فرزند دوم حضرت میان
آیة الله را دو پسر عقب گذاشتند میان آقا شیرین میان جان میان آقا شیرین را
یک پسر میان گدای جان سلمهم ربهم حضرت میان ثناء الله فرزند سوم حضرت
میان آیة الله دو پسر خلف گذاشتند میان غلام سرور میان غلام قادر میان غلام سرور
را یک پسر مسمی میان غلام جان میان غلام قادر را نیز یک پسر مسمی میان غلام حمید

سلمهم ربهم حضرت میان فضل شکور فرزند دوم حضرت قدرة الله بن حضرت قیوم جهان ایشان
نیز در حیات والد بزرگوار خود بدرجه کمال رسیده بودند از ایشان شش پسر خلف
ماندند میان حزب الله میان شیرین آغا میان تبرک میان پادشاه میان غلام جعفر
میان گل آغا حضرت میان حزب الله را عقب معلوم نشد میان شیرین آغا را یک
پسر مسمی میان عبدالله جان. حضرت میان تبرک را دو پسر میان آغا کلان میان
آغا میر بخشی حضرت میان پادشاه فرزند چهارم حضرت میان فضل الله مخصص عالم زاهد
متقی صاحب کمالات بودند از جد بزرگوار خود حضرت میان قدرة الله کسب
کمالات سلوک کرده بودند و تمام سلوک را از والد بزرگوار خود کرده صاحب ارشاد
بودند ایشان را سه پسر خلف ماندند حضرت میان غلام محمد و حضرت میان آغا میر و حضرت
میان فدای معصوم حضرت میان غلام محمد را پنج پسر میان خدام نبی میان
غلام معصوم میان غلام محی الدین میان فدای محمد و میان عبدالرزاق از ان جمله
میان فدای محمد در سفر حرمین الشریفین انتقال فرمودند یک پسر عقب گذاشته
میان غلام نقشبند دوم نیز یک پسر میان گل جان آغا دیگران را عقب معلوم
نشد حضرت میان آغا میر پسر دوم حضرت میان پادشاه را دو پسر میان غلام فاروق
میان عبدالرحیم سلمهما ربهما حضرت میان فدای معصوم پسر سوم حضرت میان پادشاه را دو
پسر میان غلام ربانی که حافظ قرآن مجید است و میان غلام محمد نام سلمهم ربهم حضرت
میان غلام حضرت فرزند پنجم حضرت میان فضل شکور را دو پسر میان آغا حضرت میان علی محمد
حضرت میان گل آغا فرزند ششم حضرت میان فضل الله را یک پسر میان میر آغا
سلمهم ربهم حضرت میان محمد نقشبند پسر سوم حضرت میان قدرة الله ابن حضرت

قیوم جہان دیگر پسر حضرت میان آقا صاحب ودشا فرزند یک پسر کہ میان حضرت
جان حضرت میان شاہ نقشبند پسر چہارم حضرت میان قدرة بن حضرت قیوم
جہان و حضرت میان گذشت نقشبند پسر پنجم حضرت میان قدرة الله و حضرت
میان فداے نقشبند پسر ششم حضرت میان قدرة الله اولاد این ہر سہ حضرات
اخیر الذکر معلوم نشد. اینجا باختتام رسید احوال اولاد حضرت قدرة الله قدس سره
حضرت میان کرامت الله فرزند سوم حضرت قیوم جہان قدس سره انتہاه صاحب
عمدة المقامات این حضرت را فرزند سوم حضرت قیوم جہان مقرر کرده اند ونوشتہ
کہ در توابع کابلی سکونت دارند بنا بران فرزندان صاحب مانده حضرت ایشان را
ہشت نوشتہ اند و حضرت میان فضل محمد صاحب کابلی نبیره زاده حضرت
خواجہ میان عبد الباقی صاحب قدس سره کہ این تذکره اکثر از مسوده ایشان تحریر
میشود این حضرت را عمی میان کرامت الله را غلط نوشتہ اند وفرزندان خلف شده اصلند
حضرت قیوم جہان قدس سره را ہفت نوشتہ اند والعلم عند الله تعالے
حضرت میان امین الله فرزند چہارم حضرت قیوم جہان قدس سره صاحب عمده
در حقش انتقاد فرموده اند کہ این مخدوم زاده طبع شعر بسیار خوب داشتند انتہی. موٴلف
گوید این رباعی در اخیر قصیده در تاریخ رحلت حضرت والد ماجد خود قدس سره
نہایت موزون فرموده اند. رباعی.

سر غیب فکر بجم تا نغم گنجایین	آخچنین تاریخ میگو تا بگوید کس جواب
رفت از خلق اند وفات آنشہ قیوم وقت	عقل از سر سر زد بشتر از خواب خراب

ایشان در غزنی سکونت داشتند شربت شہادت چشیده اند جناب ایشان سہ فرزند خلف ماند

حضرت میان عظیم الله رحمه به حضرت میان عزیز الله مشهور بحضرت گدائی مجدد حضرت میان
عتیق شد حضرت میان عظیم الله فرزند نخستین حضرت میان امین الله بن قیوم جهان قدس سره
بانواع فضائل آراسته بودند سکونت در کلات بلوچی اختیار فرموده بودند و بانتهای عمر
طبعی رسیده بودند مولف کتاب عفی عنه در صد و دو شصت هزار و دو صد و هشتاد و پنج که
عمرش کم از هفت ساله بود بزیارت حضرت عظیم الله در شهر قندهار مشرف شده بود
چهره خوب و دست نهایت معمر با محاسن سفید پر نموده بودند ایشان یک پسر بود حضرت
میان حبیب الله رحمه ایشان اکثر ایام آخر عمر خود در شهر بمبئی بکمال عزت
بسر برده در وم آنجا از انواع فیوضات نفس بهره مند گشتند یوم میلاد ...
حضرت ایشان در بمبئی موجود اند و حضرت دوستان هم در عین شباب در صد و ۱۲۸۵
هم در حیات والد بزرگوار خود در بمبئی انتقال فرمودند مرقد منورش در آنجا مشهور و معروف
است اولاد ایشان نیز یک فرزند خلف از حضرت میان عبد القدوس مشهور
بحضرت شیرین جان صاحب این حضرت عمزاده مولف کتاب عفی عنه بودند در حدود
سنه ۱۲۲۲ در شهر قندهار متولد شدند از ایام طفولیت تا سن شباب تربیت صوری
و معنوی از حضرت قبله و کعبه موصوف یافته بودند و بانواع کمالات فائز شده بودند
و سلوک خاندان مجددیه بترتیب از حضرت قبله اکرام الیشان بودند با خود ساخته
بودند و بی نظیر شده بودند در حیات حضرت مرشد خود صاحب ارشاد بودند و در زهد و تقوی
و فهم و فراست یگانه روزگار بودند از فرط استغراق بحضرت قبله مادر ... گشته ...
بشرف دامادی خود قبول فرموده بودند و انواع بشارات در حق ایشان بزبان مبارک
می آوردند بعد رحلت و دو و سالگی در شهر قندهار محمد خان خلیل حیدرآباد و سند ... تاریخ جهان

ماہ محرم شب جمعہ انتقال فرمودند اِنّا لِلّٰہِ وَ اِنّا اِلَیْہِ رَاجِعُون تاریخ رحلتش که روح مرقدش
کنندہ اند مؤلف کتاب چنین گفتہ :-

شیخ عبدالقدوس حق آگاہ	کرد زین دار بے بقا رحلت
شب پنجشنبہ چہلم عاشور	روح شان شد بسوی جنت
سال ترحیل او بگفت حسن	لفظ مغفور با سر حسرت

ایشان سہ پسر خلف گذاشتند میان عبدالسلام میان محمد عمر میان عبدالغفار میاں
عبدالسلام که فرزند نخستین حضرت عبدالقدوس اند بانواع فضائل موفق اند بسنہ
والمکرم خود گذشتہ اند عمر شان تقریباً سی و سہ سال میان محمد عمر فرزند دوم حضرت
عبدالقدوس اند این صاحبزادہ بکمال خلقت است فہم و فراست بکمال دارند عمر شان
دوازدہ سال میان عبدالغفار فرزند سوم حضرت عبدالقدوس اند طالب علم با استعداد
است عمر شان پانزدہ سال میان عبدالسلام مذکور را درین وقت یک پسر میان احمد جان
که نواسہ مؤلف کتاب است سلمہم ربہم حضرت میان فرزند شد دوم میان گدای محمد
فرزند دوم حضرت میان امین اللہ بودند ایشان را یک دختر بود منسوب بہ میان محمد شریف
شکارپوری ولد حضرت شاہ محی الدین دیگر فرزند نرینہ از حضرت میان گدای محمد
خلف نماند حضرت میان محمد عتیق اللہ فرزند سوم حضرت میان امین اللہ بودند ایشان در فن
سپاہیگری و تقرب سلاطین و جلالت و شہامت حظ وافر داشتند ازو شان چہار
پسر خلف ماندند میان محمد یعقوب میان غلام نقشبند میان محمد اعظم میان عبدالحلیم
میان محمد یعقوب را خلف نماند میان غلام نقشبند را دو پسر میان عبدالغفور میاں
عبدالاحد حضرت میان عبدالغفور را یک فرزند حضرت عبدالشکور ماند اولاد میان

عبداللہ آگہی نشد حضرت میان محمد اعظمؒ فرزند سوم حضرت میان عتیق اللہ را چہار پسر
خلف شدہ است میان محمد امینؒ میان عبدالرسولؒ میان محمد افضلؒ میان عبدالقدوس
ازانجملہ میان محمد امین را دو فرزند موجود است میان محمد اشرف میان محمد فرخ سلمہم
حضرت میان عبدالحلیمؒ فرزند چہارم حضرت میان عتیق اللہ را دو پسر میان علی جان و
میان محمد عظیم سلمہم ربہم۔ حضرت میان ذکراللہ فرزند پنجم حضرت قیوم جہان قدس سرہ
در کوہستان کابل سکونت داشتند در آخر عمر بہ شرف شہادت مشرف شدہ اند و سہ پسر
خلف گذاشتند حضرت میان پادشاہ را عقب حضرت میان عنایت اللہ حضرت عنایت
را دو پسر خلف شدند حضرت میان ہدایت اللہ حضرت میان حضرت حضرت میان ہدایت اللہ
را سہ پسر میان فدائے احمد جانؒ عبدالشکور میان عنایت اللہ میان حضرت صاحب را
نیز سہ پسر میان عبدالعزیز میان عبدالرشید میان عبدالکریم سلمہم ربہم۔ حضرت میان ابو الاسعد
فرزند ششم حضرت قیوم جہان قدس سرہ این مخدوم زادہ در طفولیت نہایت مقبول
والد شریف خود بودند بس کمال و تکمیل رسیدند بعد از رحلت چہار پسر خلف گذاشتند
حضرت میان فدائے معصوم حضرت میان گدائے معصوم حضرت میان عطائے معصوم
حضرت میان سید احمد حضرت میان فدائے معصوم کہ فرزند اول حضرت میان
ظہور اللہ است دو پسر خلف گذاشتند حضرت میان غلام سرور حضرت میان گل بادشاہ
حضرت میان غلام سرور نیز دو پسر دارند میان غلام عثمان میان غلام حسن۔ میان
غلام عثمان را یک پسر کہ میان شیر جان میان غلام حسن را نیز یک پسر میان
آقا گل جان حضرت میان گل بادشاہ پسر دوم حضرت فدائے معصوم را یک پسر
میان غلام بہاء الدین کہ مفقود است حضرت میان گدائے معصوم فرزند دوم حضرت

میان ظهور السعد را شش پسر خلف شدند میان فضل محبوب میان فضل علی جان میان
فضل نبی میان محمد اکرم میان فضل رحمان میان فضل صدیق حضرت میان فضل محبوب را
سه فرزند میان خیر جان تاج گل جان گل بادشاه و حضرت میان فضل علی را یک پسر
میان فقیر جان و حضرت میان فضل نبی را نیز یک پسر اکبر جان میان محمد اکرم را چهار
پسر حق جان صبور جان یعقوب جان نام چهارم معلوم نشد سلمهم ربهم
حضرت میان فضل رحمان را یک پسر گل صاحبزاده حضرت میان فضل صدیق را دو فرزند
است میان فضل صابر میان جان سلمهما ربهما حضرت میان عطاء معصوم پسر سوم
حضرت میان ظهور السعد را چهار فرزند خلف شدند حضرت میان ضیاء معصوم حضرت
میان محمد امین حضرت میان غلام جیلانی حضرت میان محمد سعید حضرت میان ضیاء معصوم
صاحب ارشاد و سالک مسلک سداد بودند در تقوی و خلق عظیم و قناعت بقلیل
و زهد و تقشف لباس حظ عظیم داشتند اکثر اوقات در جوار بیت المعظم میماندند و
رفت و آمد حضرت ایشان بهمین اکثر بعضی مخلصانش از شهر بمبئی و سائر بلاد هند
فیضیاب میشدند در حدود سنه انتقال فرمودند در توابع جلال آباد محل چهارباغ
که مسکن داشتند مدفون یافتند احوال و اسمای اولادش عنقریب ذکر خواهد شد حضرت
محمد امین فرزند ثانی حضرت میان عطاء معصوم را خلف نماند حضرت میان غلام جیلانی
فرزند ثالث حضرت میان عطاء معصوم را دو پسر میان غلام ربانی میان عبد الصمد
سلمهما ربهما حضرت میان محمد سعید فرزند رابع حضرت میان عطاء معصوم مجمع صاحب ارشادات
در طریقه علیه قادریه خلیفه جناب ملا نجم الدین صاحب اند که او از طرف جناب اخوند صاحب سوات
علیه الرحمة ماذون بودند اولادش معلوم نشد حضرت میان سید احمد پسر چهارم حضرت میان

ظهور اصد را دو پسر میان فضل رحیم میان حبیب جان حضرت میان ضیاء معصوم صاحب را
دو پسر خلف شدند میان عبدالقادر و میان جی حضرت میان عبدالقادر را پنج پسر خلف شدند
میان سلطان جان میان خواجه جان میان گل جان میان شیرین جان میان بخار جان
سلمهم ربهم و حضرت میان جی بادشاه میان عبدالقادر را اولاد معلوم نشد حضرت
میان مطیع الله فرزند هفتم حضرت قیوم جهان قدس سره بودند از احوال این حضرت جد
امجدم صاحب عمده اینقدر نوشته اند که بعد از والد خود در جوانی رحلت نمودند لا عقب
حضرت خواجه حاجی میان عبدالباقی فرزند هشتم حضرت قیوم جهان قدس سرهما حضرت
جد امجدم صاحب عمده در بیانش اینقدر نوشته اند عمر این مخدوم زاده در حیات
والد شریف خود به دو سالگی رسیده بود والده این مخدوم زاده از اولاد حضرت خواجه
خواجگان بهاء الدین بلاگردان است رضی الله عنه از این جهت قبول این مخدوم زاده
حضرت مرشد قیوم جهان خیلے محظوظ شدند اسم و نقعه فیها عجب و لطف خفی انتهی.
و حضرت اخوی میان فضل محمد صاحب که اکثر این تذکره از نوشته ایشان ثبت میشود
در احصار اوصاف و القابش کمال اطناب فرموده اند و الحق مرتبه کمال حضرت
ایشان فوق آنست که کسے به ستائش آن رسد اما از آنجا که بنائے این کتاب
بر اختصار است شمه از تحریر شان بعبارتش ثبت مے شود. بدانکه حضرت ایشان
از طرف مادر سید و والده ماجده ایشان از اولاد حضرت احمد جام ژنده پیل است
قدس سره و بسن چهار دو سال از حضرت قبله خود باز ماندند. انتهی بلفظه. مؤلف گوید
مخفی عند که عبارت حضرت موصوف با عبارت حضرت صاحب عمده در دو محل مخالفت
دارد یکے که صاحب عمدة المقامات والده حضرت ایشان را از اولاد حضرت خواجه

محمد نقشبند قدس سرہ نوشتہ اند و حضرت موصوف از اولاد حضرت احمد جام قدس سرہ دوم تکملہ عمر حضرت ایشان را صاحب عمدۃ مبین انتقال والد بزرگوارش دو سالہ نوشتہ اند و حضرت موصوف چہاردہ سالہ نوشتہ اند والعلم عند اللہ تعالیٰ بہ جمیع بشارات حضرت اخوی موصوف و بشرف انابت از حضور مرشد و قبلہ خود مشرف شدہ در ہمان صغر سن از دولت حضور مشاہدہ حظ جسیم یافتہ و باشارات عالیہ و بشارات متعالیہ چہ در حضور و چہ در غیب ایشان را مے نواختند چنانچہ در سفر حرمین الشریفین کہ آخرین سفر حضرت قیوم جہان است قدس اللہ تعالیٰ سرہ و حقایق پناہی مخدوم محمد ابراہیم کہ از اجلہ خلفاء ایشان است در ایام قریب انتقال خطاب فرمودند کہ صاحب نسبت خاص و جانشین بالاختصاص فرزند کہتر میان عبد الباقی است و فرزندی بزبان الہام ترجمان ارشاد فرمود و الطریق کلہ مہر خاتم کہ نقش فرمودہ بودند تسلیمش نمودند و نیز ارشاد شد کہ شما آن قرہ باصرہ را نخواہید دید فرزند شما محمد ہاشم بشرف صحبت خواہد رسید و از گلشن معرفت بہرہ خواہد کشید این خاتم را لیے بسپارید کہ بہ فرزند عزیزم تقدیم نماید منقوشہ خاتم این است ؎

بہار رفت گذشت دست تابکن ساقی
ز گلستان معنی ماند یک گلے باقی

انتہی بلفظہ۔ بعد ازان چندے از کرامات حضرت ایشان نوشتہ اند۔ مولف گوید کہ کہ وفات حضرت ایشان در شہر کابل در حدود سنہ ۱۲۸۰ ہزار و دو صد و ہشتاد و پنج تقریباً واقع شد و مزار متعالیش یاد فقیر است رحمۃ اللہ علیہ۔ حضرت ایشان را سہ فرزند بودند۔ حضرت حاجی غلام حمید حضرت میان غلام صدیق حضرت میان غلام محمد حضرت

حاجی میان غلام حمید، فرزند بزرگ حضرت ایشان بودند و بکمالات ظاهری و باطنی مشهور
و بدولت ارشاد از حضور والد شریف خود رسیده لیکن بمسترشدین کمتر می پرداختند
اوقات گرامی خود مصروف وظائف عبودیت می ساختند بسن هفتاد و سالگی در
سنه ۱۳۰۵ هزار و سه صد و پنج بهفدهم ربیع الاول برحمت حق پیوستند ایشان
سه فرزند داشتند حضرت میان عبدالاحد حضرت میان عبدالقدیر حضرت میان
عبدالقادر. حضرت میان عبدالاحد را یک فرزند حضرت میان عبدالواحد
و حضرت میان عبدالقدیر را نیز یک پسر میان محمد یوسف سلمهم الله از احوال اولاد میان
عبدالقادر آگهی نشد. حضرت میان غلام صدیق فرزند دوم حضرت حاجی میان
عبدالباقی بودند مسند ارشاد بوجود مبارکش مزین بود و مراتب سلوک از خدمت
والد ماجد خود باخر رسانیده و بعد ارتحال والد بزرگوار بر مسند ارشاد جلوس فرموده خلائق
کثیر از فیوضاتش بهره یاب شدند آخر بمرض مسنون ۲۵ بیست و پنجم جمادی الثانی هزار و سه صد و پنج سنه ۱۳۰۵
در شهر کابل انتقال فرمودند و ایشان را یک فرزند خلف ماند حضرت میان غلام قیوم
وجود مبارکش تعالی الله بمکارم بانواع فضائل صوری و معنوی آراسته بود و مسند ارشاد
از انوار فیوضاتش تازه و اکثر ایام عمر شریفش بانواع امراض و اسقام میگذشت با وجود
آن وظائف شریعت و طریقت را بجدی مرعی میداشتند که باعث حیرت ناظرین
میگشت مؤلف عفی عنه در سنه ۱۳۲۹ هجری در رجعت ایشان از سفر کاتیاوار در ورود شان
بدیار سند بشرف زیارتش رسیده بود و چند روز در حضور ایشان تا کوئته سرحد افغانستان بخدمتش
ملازم مانده وجود شریفش فخر خاندان مجددیان و رونق بخش طریقه نقشبندیان بود افسوس که
هم دران ایام سنه ۱۳۳۰ هزار و سه صد و سی در شهر کابل رحلت فرمودند اخوی حضرت محمد فضل

فرزند نخستین ایشان بیان اوصافش و قصهٔ وفاتش باشباع نوشته اند و ما اخیر نیز باید تاریخ وصالش که در عالم رؤیا این هیچمدان را از عالم غیب رسیده این فرد است.

نهاد افسر فردوس ما در رضوان گفت
مجدد مائه رابع العشر آمد

توفی رحمه الله تعالی لیلة السبت لاربع وعشرین خلون من شعبان المعظم سنه ۱۳۴۳ حضرت ایشان سه فرزند خلف گذاشتند حضرت میان فضل محمد حضرت میان فضل عمر حضرت میان محمد صادق حضرت میان فضل محمد فرزند نخستین حضرت ایشان است و سجاده نشین حضرت قیوم جهان قدس سره وجود مبارکش بانواع فضائل از علم و عمل آراسته و از نسبت خاص مجددیه بهرهٔ کامل یافته در اینوقت بمجد الهی مسند ارشاد حضرات کرام بوجود مسعودش و اعتضاد السلطنة کابل مزین است سلمه ربه و ابقاه مؤلف عفی عنه شرف ملاقاتش وقت تشریف آوری والد بزرگوارش به دیار سنده یافته متع الله المسلمین بطول حیاته ایشان از دو پسر حضرت میان محمد معصوم حضرت میان عبد اللطیف حضرت حاجی میان فضل عمر فرزند دوم حضرت میان غلام قیوم اند ایشان نیز موفق بانفضال نامتناهی از علم و عمل و تواضع با نسبت مجددیه ایشان را حاصل مؤلف بشرف ملاقاتش در سنه ۱۳۴۲ در مکه معظمه در منی ایام حج رسیده و محظوظ گشته سلمه ربه ایشان را یک پسر معلوم شده مسمی میان فضل عثمان حضرت میان محمد صادق فرزند سوم حضرت غلام قیوم اند احوال اولاد این حضرت معلوم نشده سلمه ربه حضرت میان غلام عمر فرزند ثالث حضرت خواجه میان عبد الباقی قدس سره بودند کمالات صوری و معنوی حضرت والد بزرگوار خود حاصل نموده بودند اما افسوس که در عین شباب در حیوة حضرت

قبله گاه خود برحمت حق پیوستند، و ازیشان یک فرزند خلف ماند حضرت میان ناصرالدین معروف بحضرت جانان ایشان نیز در علم ظاهر بمرتبه کمال رسیده بودند طبع شعری روان داشتند خط خوب می نوشتند مؤلف را با ایشان در سنه ۱۲۹۶ ملاقات حاصل شده بود از ایشان اولاد ذکور خلف نماند رحمه الله تعالی اسلافهم و بارک فی اخلافهم۔

انتباه ۔ آنچه از احوال حضرات درین تذکره ذکر شده است از نوشته حضرت اخوی محمد فضل صاحب موصوف در تحریر آمده اند و آن نوشته چهار پنج سال قبل از تحریر این کتاب ثبت شده و بعد ازان تا اینوقت محمل که حضرات کثیر بوجود آمده باشند که اسماء شان داخل این تذکره نشده باشد و همچنین حال در تذکره های دیگر هر که بران وقوف یابد و بآن ملحق نماید باعث اتمام فائده خواهد بود۔ بانجام رسید ذکر اولاد حضرت قیوم جهان قدس سره و باتمام آن باختتام رسید احوال اولاد حضرت عروة الوثقی رضی الله تعالی عنه ورزقنا الله تعالی و جمیع اولاده و مخلصین بکار فیضانه

تذکره ثامنه در بیان احوال اولاد حضرت شیخ محمد یحیی عرف شاه جیو فرزند صغیر حضرت مجدد الف ثانی رضی الله عنه

ولادت باسعادت ایشان در سنه ۱۰۲۳ واقع شد و بتاریخ بست و هشتم جمادی الاخری سنه ۱۰۹۶ بعمر هفتاد و یک سال رحلت فرمودند و در سرهند شریف در گنبد علیحده متصل گنبد والد بزرگوار خود از جانب قبله آسوده اند از حضرتین کسب کمالات کرده اند صاحب تصنیف اند حضرت شیخ وحدت تاریخ ارتحال شان بنظم کشیده فرموده اند:

آن عارف و مه تبارک و تعالی	جبریل صفت رفت سوئے عالم بالا
تاریخ وصالش بچه پرسند عزیزان	گو بوده ولی شیخ محمد یحیی

ایشان را سه پسر و یک دختر بودند شیخ ضیاء الدین یوسف عرف میان جیو شیخ زین العابدین عرف
میان فقیر الله شیخ محمد اعلم لا عقب له شیخ ضیاء الدین یوسف معروف شیخ چهجو در سنه
پیدا شده بودند و در سنه ۱۱۸۰ بعمر هشتاد و هشت وفات یافتند دو پسر و چهار دختر داشتند
شیخ حسن علی معروف به شاه چراغ شاه احمد شاه چراغ را سه پسر و سه دختر غلام یحیی عرف
میان مهدی محمد باقر مشهور میان حاجی محمد سعادت الله غلام یحیی را یک پسر
غلام نقشبند لا عقب له محمد باقر عرف میان حاجی بتاریخ ۱۰ رجب ۱۲۳۱ وفات
یافت و یک پسر گذاشت شاه احمد وصی الله پسر شاه حسن شاه رضا شاه حسن را یک
نامعلوم الاسم در طفلی فوت شده بود بعدش شاه رضا یک دختر و میان محمد سعادت الله بن
شاه چراغ را یک پسر قدرت الله بود و دو دختر و شاه احمد برادر شاه چراغ را دو دختر
و شیخ زین العابدین معروف به شاه فقیر الله فرزند دوم حضرت شاه جنید ۱۱۶۰ در سرهند
شریف پیدا شده بودند و از حضرت محمد نقشبند کسب کردند و بتاریخ نهم رمضان المبارک ۱۲۳۰
بعمر هفتاد و چهار وفات یافتند و هفت پسر و دو دختر گذاشتند نور الاحد محمد رضا محمد درویش
درویش احمد شاه گدا ضیاء احمد رضی الدین شاه نور الاحد فرزند نخستین شاه فقیر الله از جد
مادری خود حضرت وحدت کسب سلوک کردند و در ۱۲۳۱ وفات نمودند دو پسر داشتند
محمد برهان الله محمد محفوظ الله محمد برهان الله هم از حضرت وحدت کسب طریقه کردند بتاریخ
۱۲ شوال ۱۲۶۵ وفات یافتند ایشان را نیز دو پسر بودند محمد مصطفی الله محمد رضوان الله محمد مصطفی الله
بتاریخ ۵ رمضان ۱۲۸۰ بعمر سی و هشت وفات یافت و دو پسر گذاشت صمصام الله
نجی الله لا عقب له صمصام الله را دو پسر و یک دختر میان نجم الدین میان قمر الدین لا عقب له
میان نجم الدین را سه پسر و دو دختر حافظ جمیل الرحمن حافظ حمید الرحمن مولوی شفیق الرحمن

حافظ جمیل الرحمٰن را سه پسر محمد اشرف عبد الله نجم الدین و هر سه از والد ماجد جدا شده
محمد اشرف و عبد الله لاعقب بها فوت شدند نجم الدین را یک پسر جمیل الرحمٰن سلمه
و حافظ حمید الرحمٰن را دو پسر و دو دختر عبید الرحمٰن رشید الرحمٰن و مولوی شفیق الرحمٰن
در سنه ۱۲۰۰ در مدینه منوره وفات یافت و یک دختر گذاشت منسوب به معصوم شاه مولوی
عبید الرحمٰن را از بطن عزیز محمد یک دختر شده بود در طفلی فوت شد مولوی رشید الرحمٰن
را دو پسر حبیب الرحمٰن و خلیل الرحمٰن و محمد رضوان الصمد برادر محمد مصطفیٰ الله بتاریخ ۲۰
رمضان سنه ۱۲۹۵ بعمر پنجاه و پنج وفات یافت و یک پسر و یک دختر گذاشت غفر الله
غفران الصمد را یک پسر محمد طفیل که در قصبه سکونت اختیار کرده بودند و در سنه ۱۲۰۰
در بخارا انتقال فرمودند ایشان را یک پسر محمد یحییٰ که قبل از پدر بزرگوار وفات نمود
و شیخ محمد محفوظ را از محمد برهان الصمد را یک پسر محمد مامون لاعقب است شیخ محمد رضا پسر دوم
شیخ فقیر الصمد را سه دختر. شیخ محمد روشن پسر سوم شیخ فقیر الصمد را دو پسر و سه دختر شیخ غلام محمد
شیخ محمد تقی شیخ غلام محمد را سه پسر و یک دختر و حبیب محمد رضا محمد محبوب احمد و حبیب محمد را یک پسر
وزیر احمد. وزیر احمد را سه پسر میر حمید میر اکبر لاعقب میر احمد میر حمید را دو پسر غلام محمد
سعید احمد لاعقب غلام مرتضیٰ را سه پسر رؤف احمد حبیب احمد رشید احمد پسر [illegible]
رحلت کردند و در خیر حیات است سلمه الله و میر احمد در ملک قسمت ضلع بدخشان
بودند یک دختر گذاشته وفات کردند رضا احمد را یک پسر و دو دختر غیر معلوم الاسم
و الحال در [illegible] ظهور احمد محمد [illegible] بود عقب ایشان معلوم نیست شیخ محمد تقی پسر دوم
محمد روشن را یک پسر نذر احمد و یک دختر نذر احمد را یک پسر نذیر احمد و را یک پسر
حافظ مولوی خلیل احمد که در سنه ۱۲۰۰ در [illegible] پیدا شدند لاعقب. شیخ [illegible] احمد پسر

چهارم شاه فقیر الله را دو پسر و یک دختر شاه کمال الدین شاه وجیه الدین شاه کمال الدین
را سه پسر فیض معصوم فیض احمد میان محمود لاعقب للاول و لاخر میان فیض احمد را دو پسر
و دو دختر غلام محی الدین غلام جیلانی لاعقب لثانی غلام محی الدین را دو پسر و یک دختر
فیض حسین حکیم احمد حسین لاعقب للاول حکیم احمد حسین را پنج پسر و چهار دختر مولوی عماد حسین
مولوی ارشاد حسین مولوی اعجاز حسین میان ممتاز حسین میان سرفراز حسین مولوی
امداد حسین مرحوم در ۱۳.. وفات یافت دو پسر و سه دختر داشتند حافظ اولاد حسین
میان [illegible] سادات لاعقب لهما حضرت مولوی ارشاد حسین عالم دینی فاضل محقق
کامل بودند بتاریخ پانزدهم جمادی الاخری ۱۳.. هـ سه پسر وفات یافتند پنج
پسر و سه دختر داشتند احسان حسین و فیاض حسین در طفلی فوت شد رضوان حسین ریحان حسین
ریحان حسین مولوی احسان حسین را دو پسر و سه دختر جواد حسین سجاد حسین مولوی
رضوان حسین را یک پسر سجاد حسین رضوان حسین انتقال نمود عقبش معلوم نشد.
ریحان حسین را دو پسر سلطان حسین اکرام حسین و مولوی اعجاز حسین برادر مولوی ارشاد حسین
را چند پسر و دختر بود الحال پنج پسر و دو دختر موجود اند اعزاز حسین عرف میان محمد در ۱۳..
بعمر بیست سال رحلت کرد ابرار حسین انوار حسین اعزاز حسین صفا حسین ابرار حسین را
یک پسر ذوالفقار حسین انوار حسین طفلی فوت شد اعزاز حسین را دو دختر بعد طفلی فوت
شدند و مولوی فیاض حسین را عقب معلوم نشد و مولوی ممتاز حسین برادر مولوی
ارشاد حسین را یک دختر و میان سرفراز حسین برادر اصغر مولوی ارشاد حسین را اولاد
معلوم نشد. شاه وجیه الدین برادر شاه کمال الدین را دو پسر سراج معصوم لاعقب له
نور معصوم را یک پسر ظهور معصوم را عقب معلوم نشد حضرت شاه گدا پسر پنجم

شاہ فقیر اللہ را کہ بتاریخ نہم رجب ۱۳۰۲ھ وفات کردند یک پسر سعید احمد و یک دختر یک پسر
شریف احمد کہ مجذوب الحال بود و بتاریخ نوزدہم رجب ۱۳۱۱ھ وفات یافت و یک دختر
گذاشت شیخ ضیاء احمد پسر ششم شاہ فقیر اللہ را سہ پسر و دو دختر شیخ یحیی احمد شیخ رضا احمد
شیخ زین العابدین شیخ یحیی احمد را یک پسر شیخ شاہ احمد و سہ دختر شیخ شاہ احمد را پنج پسر
سہ دختر معصوم احمد عزیز احمد حسین احمد منظور احمد محتسب احمد بشیر احمد معصوم احمد
و دو دختر غیر معلوم الحال عزیز احمد را دو پسر وزیر احمد امین احمد وزیر احمد را دو پسر و چہار دختر
حمید احمد یعقوب احمد میان حمید احمد را چہار پسر و دو دختر وحید احمد سعید احمد فرید احمد
ندیم احمد وحید احمد را از بطن زوجۂ اولی یک دختر شدہ بود کہ ہمراہ مادرش رحلت نمود
و از زوجۂ ثانیہ دو پسر و سہ دختر محمد احمد محمد عیسی پسر اول دو ماہ و دو دختر در صغر سنی رحلت کردند
باقی بقید حیات اند سلمہم ربہم حافظ سعید احمد کہ در لاہور وفات یافت چہار پسر
و سہ دختر سعید احمد حبیب احمد محمود احمد منظور احمد و فرید احمد چہار پسر جمیل احمد
شکیل احمد جمیل احمد بشیر احمد بہ سن کودکی در طفلی رحلت کردند و اباقی سلمہم ربہم حافظ
ندیم احمد را چہار پسر و یک دختر محمد صادق محمد حسن محمد ابراہیم محمد علی مولوی سعید احمد
فرزند حافظ سعید احمد را شش پسر و چہار دختر قدیر احمد سلطان احمد ہر دو بطفلی فوت
شدند غفور احمد عزیز احمد صدیق احمد محبوب احمد سلمہم ربہم منظور احمد را دو دختر حافظ
جمیل احمد پسر فرید احمد را سہ پسر و پنج دختر امین احمد بطفلی فوت شد نصیر احمد حسین احمد
حافظ شکیل احمد را یک پسر و دو دختر سلطان احمد بطفلی فوت شد و حاجی فرید احمد را از
بطن زوجۂ ثانیہ سیدہ شش پسر و دو دختر محمد سرفراز احمد ایاز احمد ہر دو در طفلی فوت شدند
وکیل احمد بشیر احمد سلطان احمد وکیل احمد ہم در صغر سن وفات یافت میان یعقوب احمد

برادر حمید احمد را نه پسر شده بود از نذیر احمد مشتاق احمد اسحاق احمد نسیم احمد
اشفاق احمد عرفان احمد انور احمد وسیق احمد عمران احمد همه فوت شده اند
امین احمد برادر وزیر احمد را یک دختر میان رفیق احمد برادر عزیز احمد را چهار پسر و دو دختر
حافظ طفیل احمد میان لطف احمد امیر احمد شهید شد چهارم معلوم نشد با عقب الآخرین
حافظ طفیل احمد را چهار پسر و یک دختر حافظ نذیر احمد مولوی ندیم احمد نسیم احمد جسیم احمد
اخیرین با والد رحلت کردند حافظ نسیم احمد را سه دختر و مولوی ندیم احمد را سه پسر و هفت دختر
شده بود محمد احمد مشتاق احمد حبیب احمد از آن جمله محمد احمد زنده است سلمه ربه
باقی فوت شدند لاعقب لهم و میان لطف احمد را از بطن زوجه اولی دو پسر غیر معلوم
الاسم و چهار دختر از بطن زوجه ثانیه دو پسر شریف احمد سلمه ربه و دیگر نامعلوم
الاسم و پنج دختر میان منیر احمد پسر نجمی فتح شاه احمد که در ۱۲۵۰ تقریبا در علاقه بهوپال
وفات یافتند یک پسر گذاشتند در وقت شاه نذیر حسین که در حیدرآباد دکن مقیم بودند
و همونجا در ۱۳۰۰ رحلت کردند ایشان فرزندان زوجه اول محمد هشت پسر و چهار دختر
اقبال حسین کلان لاعقب له حافظ نواب حسین حافظ امیر حسین لاعقب له سید احمد
لاعقب له اقبال حسین خورد معروف دوله میان محمد حسین و بیر حسین منیر حسین لاعقب لهما
و از زوجه ثانیه سیده دو پسر و سه دختر محی الدین حسین مقبول حسین سلمهما الله تعالی حافظ
نواب حسین که در کاٹھیاوار در ... شهید شدند وے را دو پسر و دو دختر بادشاه حسین
سرفراز حسین بادشاه حسین را دو پسر غیر معلوم الاسم در حیدرآباد دکن سرفراز حسین معروف
به سلطان حسین نیز در دکن می باشد اقبال حسین خورد را یک دختر محمد حسین یک
پسر خورد سال نامش معلوم نشد در حیدرآباد دکن. فتح رضا احمد پسر دوم فتح ضیاء احمد

یک پسر و یک دختر شیخ قاسمؒ معروف بغلام قادر شیخ قادرؒ را یک پسر و یک دختر
حافظ غلام مرتضیٰؒ حافظ غلام مرتضیٰ را یک دختر شاہ زین الدینؒ پسر سوم شیخ ضیاء احمد
بتاریخ چہارم ذی حجہ سنہ ۱۲۱۶ ہجری و شش وفات نمودہ ایشان را یک پسر و دو دختر بود
میان نصیر الدینؒ۔ میان نصیر الدین را چہار پسر و چہار دختر میان فصیح الدین حافظ قطب الدین
مولوی حسین الدین میان جلال الدین میان فصیح الدین را یک پسر میان محمد حسن
و دو دختر میان محمد حسنؒ در شہر بھوپال مقیم بودند و ہمونجا در ماہ شعبان سنہ ۱۳۰۹ھ وفات نمودند
ایشان را دو پسر و یک دختر احمد حسنؒ محمود حسنؒ۔ احمد حسنؒ را احوال و خلف معلوم نشد
محمود حسنؒ را دو پسر و یک دختر سجاد حسینؒ علی حسنؒ و حافظ قطب الدین بتاریخ ۹ صفر
سنہ ۱۲۷۲ھ در بلدہ رامپور انتقال کردند ایشان را سہ پسر و شش دختر حافظ اکرام احمد مولوی
علاء الدینؒ میان ضیاء الدینؒ حافظ اکرام احمدؒ المتخلص بحیثم را از زوجہ مجید و یہ دو پسر
و یک دختر حافظ محمد یوسفؒ لا عقب لہ میان منصور احمد پس ایشان در مقام [illegible]
ضلع بریسال ملک بنگال رفتہ اقامت کردند آنجا نکاح کردند از ان دو پسر ابو الفیض
حصار خیر لعیت و ابو الفتح ظہور قدوس شاہ منصور احمد را دو پسر و یک دختر منظور احمد
مقبول احمد در مدینہ منورہ وفات یافت حافظ منظور احمد نیز در آنجا وفات یافت
وے را چہار پسر و چہار دختر مسعود احمد محمود احمد نام دو پسر دیگر معلوم نشد مقبول احمد
برادر منظور احمد را دو دختر ہر دو بطفلی فوت شدند و محمود احمد را دو پسر و یک دختر سعید احمد
منصور احمد ہمہ فوت شدند لا عقب لہم و حصار خیر لعیت مع اہل خود در ملک برما
[illegible]
مقیم اند از اولاد ایشان آگہی نشد و ظہور قدوس را یک پسر در طفلی وفات یافت
و مولوی علاء الدین را کہ در سنہ ۱۲۹۹ھ در بلدہ رامپور وفات کردند یک پسر و دو دختر

شدہ و بعد ثناء الدین کہ بعد بشیر گانش در طفلی فوت شدند و میان ضیاء الدین را عقبش
معلوم نشد مولوی حسین الدین برادر حافظ قطب الدین را کہ در ۱۲۶۵ھ در مکہ معظمہ رحلت
کردند یک پسر و یک دختر بہاء الدین - میان بہاء الدین را یک دختر - میان
جلال الدین برادر مولوی حسین الدین را کہ در بھوپال انتقال کردند یک پسر و دو دختر
مولوی کمال الدین مولوی کمال الدین بتاریخ سوم ربیع الاول ۱۲۹۹ھ در بلدہ
بھوپال رحلت کردند دو پسر و یک دختر گذاشتند میان جمال الدین میان بہاء الدین
حافظ جمال الدین را پنج پسر بشیر الدین احمد جمیل الدین احمد نصیر الدین احمد منیر الدین احمد و نام پنجم
معلوم نشد از اینہا اول و ثالث حیات اند میان بشیر الدین یک پسر دارند ضیاء احمد میاں
بہاء الدین را اولاد معلوم نشد شیخ رضی الدین پسر مہتر شاہ فقیر اللہ کہ بتاریخ بست و
چہارم رمضان [illegible] وفات یافتند وے را یک پسر و یک دختر شیخ محمد شرف
شیخ محمد شرف را چہار پسر و سہ دختر حسن احمد نور احمد لاعقب لہ شعور احمد شکور احمد
حسن احمد را یک پسر حسین احمد و بیا عقب معلوم نشد و شعور احمد را یک پسر شاہ رؤف احمد
و یک دختر. حضرت شاہ رؤف احمد جامع علوم صوری و معنوی و خلیفہ حضرت
شاہ غلام علی دہلوی قدس سرہ بودند و جامع ملفوظات و مکتوبات و مقامات
ایشاں شدند و در حال ایشاں کتابے بسیط موسوم بجواہر علویہ نگاشتہ اند و تفسیر قرآن شریف
مسمّی بہ رؤفی ہم از ہم دو دارند سند حدیث از شاہ سراج احمد و از مولانا شاہ عبد العزیز
محدث دہلوی داشتند و فن شاعری از جرأت کسب کردند و رأفت تخلص مینمودند
در ۱۲۰۱ھ چہاردہم محرم در رامپور پیدا شدند و بتاریخ ۲۰ ذی قعدہ ۱۲۵۳ھ بمقام
بندر لیث واقع ملک یمن وفات یافتند دو پسر و دو دختر گذاشتند شاہ خطیب احمد

مولوی حبیب احمد شاہ خطیب احمد قدس سرہ مرد فرشتہ صفت بود بتاریخ دوم رمضان
سنہ ۱۲۲۳ روز دوشنبہ پیدا شدند و در سنہ ۱۲۶۶ رحلت نمودند ایشان را دو پسر و یک دختر
محمد ابو البرکات عبد اللہ ابو احمد والدہ مرید از سادات دست مولوی محمد ابو البرکات در
سنہ ۱۲۵۰ در بھوپال پیدا شدند و در سنہ ۱۲۸۰ در مدینہ منورہ رحلت کردند ایشان را در مدینہ
منورہ یک پسر محمد حمزہ نام فوت شدہ بود کہ در طفلی وفات یافت و حافظ عبد اللہ عرف حضرت
ابو احمد صاحب حفظہ اللہ تعالیٰ و بارک فی اوقاتہ در ماہ رمضان المبارک سنہ ۱۲۶۰
در بلدہ بھوپال پیدا شدند و ہمینجا در خانقاہ جد امجد خود بر مسند ارشاد و بر جادہ مستقیم
مقیم اند ایشان را چہار پسر و سہ دختر در طفلی فوت شدند میان احمد میان محمد میان اسحاق
میان محمد یوسف و چہار پسر و یک دختر موجود اند میان محمد ابراہیم میان محمد اسمٰعیل
میان محمد یعقوب محمد عباس سوائے پسران اخیرین ہمہ فوت شدند محمد ابراہیم
یک پسر دارد و مشہور میان جان مولوی حبیب احمد برادر شاہ خطیب احمد مرید
پدر خود بودند بتاریخ نہم رمضان سنہ ۱۲۳۰ روز دوشنبہ پیدا شدند و در سنہ ۱۲۹۶ در بلدہ
بھوپال انتقال کردند و دو دختر گذاشتند و میان شکور احمد پسر چہارمی شیخ محمد شرف را
چہار پسر و یک دختر میان حبیب احمد میان نیاز احمد میان صدیق احمد لا عقب لہ
میان خورشید احمد میان حبیب احمد را یک دختر میان نیاز احمد را پنج پسر میان
کمال احمد میان عبد الحق میان غریب احمد میان لحاظ احمد لا عقب لہ نام پنجم معلوم
نشد میان کمال احمد را یک پسر و دو دختر حسین احمد میان عبد الحق سلمہ ربہ
را کہ در بھوپال سکونت دارند سہ دختر و میان غریب احمد را یک پسر عجیب احمد سلمہ ربہ
و چہار دختر عجیب احمد را یک پسر غیر معلوم الاسم و شاہ خورشید احمد را در سنہ ۱۲۹۱

در سن ۱۳۰۰ ہجری رحلت کردند سہ پسر و سہ دختر میان قیوم احمد میان معصوم احمد میان محکم احمد
از عقب ایشان میان قیوم احمد راسلسلہ بچہار پسر و دو دختر است فضل احمد سعید احمد
غلام حضرت میان بزرگ۔ سلمہم اللہ من بقی منہم و رحم اسلافہم

باہتمام رسیل ترجمۂ عمدۃ المقامات

وانتخاب ہدیۂ احمدیہ فی انساب المجددیہ للشیخ احمد ابوالخیر مکی رحمۃ اللہ علیہ

اعتذار مؤلف

بخدمت حضرات کرام اینکہ آنچہ در این کتاب اغلاط بینند یا نامہائے بزرگان سلف و خلف بغیر القاب بینند یا بینند یا زیادہ و کم در تحریر یافتہ باشند معذور دارند کہ مؤلف آنچہ داخل کتاب کردہ است یا انتخاب عمدۃ المقامات و ہدیۂ احمدیہ است یا نقل خطوط حضرات ساکنین افغانستان کہ قبل از تحریر کتاب بچند سال رسیدہ اند یا آنکہ علم مؤلف بآن رسیدہ و معلوم نیست کہ کارکنان قضا و قدر تا وقت تحریر کتاب در دفتر افنا و ایجاد و محو و اثبات بسیار کردہ باشند بہر حال من بعجز و قصور معترفم۔ پس باید کہ باصلاح آن کوشند أَصْلَحَ اللّٰہُ تَعَالٰی حَالَکُمْ وَمَا لَکُمْ وَکَانَ الْفَرَاغُ مِنْ تَالِیْفِ ہٰذَا الْکِتَابِ یَوْمَ الْاَحَدِ السَّادِسِ وَالْعِشْرِیْنَ مِنْ شَہْرِ رَجَبِ الْفَرْدِ سنہ ۱۳۴۰ھ

وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ۔